

مجموعه واژه‌های مهندسی بسپار شاخهٔ تایلر

برگرفته از
فرهنگ واژه‌های مصوّب
فرهنگستان زبان و ادب فارسی
۱۳۹۰-۱۳۹۱

گروه واژه‌گزینی



Islamic Republic of Iran

**The Academy of Persian
Language and Literature**

A Collection of Polymer Engineering Tyer Terms

extracted from
**Dictionary of Approved
Terms by the Academy of
Persian Language and Literature**

2012-2011

Terminology Department

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

ISBN: 978-600-8735-11-3

۲۵

۱۵



اسکن شد

۷۳۲۶۸

مجموعه واژه‌های مهندسی بسیار

شاخه تایلر



مجموعه واژه‌های مهندسی بسیار

شاخهٔ تایلر

برگرفته از فرهنگ واژه‌های مصوب
فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۹۰-۱۳۹۱

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

گروه واژه‌گزینی

پژوهشکده مطالعات واژه‌گزینی

نشر آثار / تهران ۱۳۹۶

مجموعه واژه‌های مهندسی بسیار	
شاخه تاپیر	
تدوین و ویرایش و حروف‌نگاری: گروه واژه‌گزینی	
مدیر فنی چاپ: حمید دمیرچی	
چاپ اول: ۱۳۹۶	شمار: ۵۰۰ نسخه
قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال	چاپ و صحافی: کاری‌نو
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۳۵-۱۱-۳	
ISBN: 978-600-8735-11-3	
نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، بعد از ایستگاه مترو، مجموعه فرهنگستان‌ها، فرهنگستان زبان و ادب فارسی	
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۶۳۹۴	
تلفن: ۶۸-۸۸۶۴۲۳۳۹ (۰۲۱)؛ دورنگار: ۸۸۶۴۲۵۰۰ (۰۲۱)	
وبگاه: www.persianacademy.ir	

حق چاپ محفوظ است.

فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه	فرهنگستان زبان و ادب فارسی. گروه واژه‌گزینی
عنوان و نام پدیدآور	مجموعه واژه‌های مهندسی بسیار شاخه تاپیر: برگرفته از فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۹۰-۱۳۹۱/ فرهنگستان زبان و ادب فارسی. گروه واژه‌گزینی، پژوهشکده مطالعات واژه‌گزینی. فرهنگستان زبان و ادب فارسی. گروه نشر آثار، ۱۳۹۶.
مشخصات نشر	۱ ج. (بدون شماره گذاری): ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
مشخصات ظاهری	فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ ۱۷۶. مجموعه واژه‌ها؛ ۶.
فروست	978-600-8735-11-3
شابک	فیبا
وضعیت فهرست‌نویسی	تایرها -- صنعت و تجارت -- واژه‌نامه‌ها -- فارسی
موضوع	Tire industry -- Dictionaries -- Persian
موضوع	تایرها -- صنعت و تجارت -- اصطلاح‌ها و تعبیرها
موضوع	Tire industry -- Terminology
موضوع	فارسی -- واژه‌های جدید -- واژه‌نامه‌ها
موضوع	Persian Language -- New words -- Dictionaries
موضوع	فارسی -- واژه‌نامه‌ها -- انگلیسی
موضوع	Persian Language -- Dictionaries -- English
شناسه افزوده	فرهنگستان زبان و ادب فارسی
شناسه افزوده	فرهنگستان زبان و ادب فارسی. گروه نشر آثار
رده‌بندی کنگره	HD۹۱۶۱/۵/ت۲۳/۴ ۱۳۹۶
رده‌بندی دیوبی	۳۳۸/۴۷۶۷۸۳۲۰۳
شماره کتاب‌شناسی ملی	۴۶۹۴۱۴۰

فهرست مطالب

هفت	پیشگفتار
سیزده	همکاران علمی
پانزده	نشانه‌های اختصاری
هفده	قانون ممنوعیت به‌کارگیری اسامی بیگانه
۱-۷۳	واژه‌های مصوّب تأیر به ترتیب الفبای فارسی
1-24	فهرست واژه‌ها به ترتیب الفبای لاتینی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

گروه واژه‌گزینی در طول بیش از بیست و دو سال فعالیت خود حدود پنجاه و پنج هزار واژه را در حوزه‌های مختلف علمی به تصویب رسانده است. مجموعه حاضر شامل واژه‌هایی است که از سال ۱۳۸۷ تا سال ۱۳۹۰ در حوزه مهندسی بسیار، شاخه تاپر در شورای واژه‌گزینی و شورای عالی فرهنگستان زبان و ادب فارسی تصویب شده است.

کارگروه مهندسی بسیار از سال ۱۳۸۴ با فعالیت شاخه علوم و فناوری رنگ کار خود را آغاز کرد و در این رشته حدود ۳۰۰ واژه را به تصویب شورای واژه‌گزینی رساند. شاخه تاپر این گروه در دی‌ماه سال ۱۳۸۷ فعالیت واژه‌گزینی را با حضور تعدادی از متخصصان این حوزه شروع کرد. اعضای گروه عبارت بودند از آقایان مهندس مجتبی جلالی (از گروه صنعتی بارز)، مهندس عبدالرضا جعفری (از گروه صنعتی بارز و نیز به نمایندگی از شرکت مهندسی و تحقیقات لاستیک)، دکتر نادر طاهری (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)، دکتر علی عباسیان (عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات، عضو گروه واژه‌گزینی شیمی فرهنگستان)، مهندس محمدحسن فراهانی (از شرکت فرازتاپر)، دکتر میرحمیدرضا قریشی (عضو هیئت علمی پژوهشگاه پلیمر). همچنین خانم دکتر اعظم جلالی (عضو هیئت علمی دانشکده پلیمر دانشگاه صنعتی امیرکبیر) و آقای دکتر محمد کریمی (عضو هیئت علمی دانشکده نساجی دانشگاه صنعتی امیرکبیر) مدتی با گروه همکاری کردند.

گروه مهندسی بسیار، شاخه تاپر پس از تعیین منابع استخراج واژه‌ها و تعریف‌های آنها حدود ۳۵۰ واژه از میان اصطلاحات موجود در منابع تخصصی به عنوان پیکره واژگانی خود تعیین کرد و به تقسیم‌بندی حوزه‌ای

آنها در گروه‌های اصلی «اجزا»، «انواع»، «عیوب»، «روکش کاری»، «نشانگان»، «مکانیک»، «پنچری و تعمیرات» پرداخت. سپس، کاربرگه‌های (پرونده‌های اطلاعات) این واژه‌ها را تکمیل کرد و پس از بررسی و بحث و گفت‌وگو، معادل‌هایی را برای آنها برگزید. برای بهره‌گیری بهتر از نظر بقیه متخصصان، به پیشنهاد اعضای گروه، این واژه‌ها، پیش از تصویب واژه‌ها در شورای واژه‌گزینی، برای دیگر صاحب‌نظران حوزه تاپیر ارسال و از ایشان نظرخواهی شد. پس از طی این مراحل، گروه در مهرماه سال ۸۹ و تیرماه سال ۹۰ در شورای واژه‌گزینی فرهنگستان حضور یافت و در مجموع ۲۹۲ واژه را به تصویب شورا رساند. فهرست الفبایی این واژه‌ها در ادامه آمده است.

ذکر چند نکته در مورد این مجموعه‌واژه ضروری است. اختصاص واژه‌ها به کارگروه‌های تخصصی در فرهنگ‌های واژه‌های مصوب فرهنگستان براساس روند تشکیل گروه‌ها یا زمان بررسی واژه‌ها در مقاطع مختلف بوده است. از این رو، در مجموعه حاضر بسیاری از واژه‌هایی که در رشته‌های مرتبط تصویب شده است و این گروه برای جلوگیری از دوباره‌کاری به آنها نپرداخته ولی آنها را جزو پیکره واژگانی خود می‌داند، آمده است. خاستگاه برخی از واژه‌های این مجموعه ممکن است رشته‌های دیگر باشد. همچنین، برای افزایش بهره‌وری و صرفه‌جویی در وقت و هزینه، معمولاً واژه‌های مشترک چند حوزه مرتبط فقط از طریق یکی از کارگروه‌های تخصصی در شورای واژه‌گزینی مطرح می‌شود و در فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان با برجسب همه کارگروه‌های مرتبط می‌آید. این واژه‌ها در فرهنگ‌های موضوعی هریک از این کارگروه‌ها به تنهایی نیز درج می‌شود. تعداد واژه‌های این مجموعه ۵۸۱ واژه است که ۲۸۹ واژه آن مربوط به کارگروه‌های حمل‌ونقل درون‌شهری - جاده‌ای، حمل‌ونقل ریلی، حمل‌ونقل هوایی، رایانه و فناوری اطلاعات، زمین‌شناسی، ژئوفیزیک، شیمی، علوم جو، علوم نظامی، فیزیک، قطعات و اجزای خودرو، مهندسی بسپار - شاخه ییاف، مهندسی

بسپار-شاخه پلاستیک، مهندسی بسپار-شاخه علوم و فناوری رنگ، مهندسی جوشکاری و آزمایش‌های غیرمخرب، مهندسی خوردگی و مهندسی محیط‌زیست و انرژی بوده است که در پیکره کارگروه تأثیر قرار داشته و به این مجموعه افزوده شده است.

فرهنگستان در برابر برخی از واژه‌های بیگانه، ضمن پذیرفتن لفظ بیگانه، یک برابر نهاد فارسی نیز در کنار آن به تصویب رسانده است، به این امید که این معادل فارسی به تدریج جای لفظ بیگانه را بگیرد. برخی از حوزه‌های علمی واژه فارسی را پذیرفته‌اند و برخی همچنان اصرار بر به کار بردن لفظ بیگانه دارند. در مواردی که لفظ فارسی پذیرفته شده است، در تعریف‌ها صرفاً همان معادل به کار رفته و در مواردی که نپذیرفته‌اند، لفظ بیگانه در کنار لفظ فارسی آمده و با خط مورب از هم جدا شده‌اند.

همکارانی که نام آنها در فهرست همکاران علمی فرهنگستان آمده است در تصویب همه واژه‌ها مشارکت نداشته‌اند، اما از آنجا که واژه‌های دفتر هشتم و نهم در یک جا گرد آمده است، لازم دیده شد نام تمامی کسانی که با ما در مقاطع مختلف همکاری داشته‌اند در کنار هم ذکر شود.

در واژه‌گزینی برای واژه‌های فرهنگ حاضر برخی از همکاران گروه واژه‌گزینی در طی سال‌های گذشته همکاری داشته‌اند که از آنها سپاسگزاری می‌نماید. حاصل کار آنها به همت همکاران بخش تدوین و حروف‌نگاری گروه واژه‌گزینی مدون شده است که خالصانه و صمیمانه با ما همکاری کردند و جا دارد در اینجا از ایشان قدردانی شود: آقای مهدی حریری که مسئولیت واحد تدوین فرهنگ و سرویراستاری فرهنگ‌های مصوب فرهنگستان بر عهده ایشان است و با تجربه و دقت و دانش خود ما را یاری کردند؛ خانم‌ها عفت امانی، لیدا خیمر، مینا سعادت، گیتی قریب و فتنه نادری همکاران دقیق و دلسوز واحد تدوین، که زحمت ویراستاری فنی و نمونه‌خوانی فرهنگ‌ها را بر عهده داشته‌اند؛ همچنین همکاران ما در بخش

حروف‌نگاری خانم‌ها اکرم زرمحمدی، زهرا ساقی‌شیویاری، مهناز مسیّی که در سال‌های گذشته با صبر و حوصله در حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی فرهنگ‌های مصوّب زحمات فراوانی را تقبل کردند. ویرایش فنی فرهنگ حاضر را خانم عفت امانی و حروف‌نگاری آن را خانم مهناز مسیّی انجام داده‌اند که جا دارد جداگانه از ایشان تشکر شود.

در پایان سپاس خود را از پژوهشگر ارشد گروه واژه‌گزینی، خانم فرزانه سخایی ابراز می‌دارد که با وجود مسئولیت‌های فراوانی که در گروه واژه‌گزینی بر عهده دارند، در تفکیک رایانه‌ای واژه‌های مصوّب و تنظیم فرهنگ حاضر از هیچ فداکاری دریغ نکردند. امید است با تمهیداتی که صورت گرفته است بتوانیم چندین مجموعه‌واژه در حوزه‌های مختلف در هر سال به جامعه علمی کشور عرضه کنیم.

واژه‌های این دفتر حاصل کار تمامی افرادی است که در طول این سال‌ها با ما همکاری کرده‌اند و اسامی آنها در صفحه همکاران علمی آمده است. نام برخی از اعضا و پژوهشگران با ستاره مشخص شده است. این افراد، در حال حاضر با گروه واژه‌گزینی همکاری ندارند.

همان‌طور که در فرهنگ‌های واژه‌های مصوّب فرهنگستان ذکر شده است، واژه‌های مصوّب مندرج در هر فرهنگ، در زمان انتشار، مصوّب مقدماتی تلقی می‌شوند و برای مدت تعیین شده از سوی شورای عالی فرهنگستان به مؤسسات و مراکز دولتی ابلاغ می‌شوند. بنابراین، امکان بازنگری در واژه‌های مجموعه حاضر نیز وجود دارد و چنانچه تا پایان سال ۹۶ معادل بهتری پیشنهاد شود مجدداً در گروه تخصصی و شورای واژه‌گزینی در مورد آن بحث خواهد شد.

مطالب این مجموعه نیز به شرح زیر تنظیم شده است:

۱- واژه‌نامه توصیفی به ترتیب الفبای فارسی، که شامل ضبط فرنگی واژه بیگانه، معادل مصوّب فرهنگستان و تعریف واژه است. تعریف واژه‌ها را

اعضای کارگروه در اختیار فرهنگستان قرار داده‌اند. البته، با صلاحدید فرهنگستان، تعریف‌ها عمومی شده و قابل درک برای افرادی با تحصیلات کارشناسی است و صرفاً برای روشن شدن مطلب ارائه شده و تعریف دقیق و جامع علمی نیست؛

۲- فهرست واژه‌ها به ترتیب الفبای لاتین.

ذکر نام تمامی اعضا در صفحه همکاران علمی به معنی آن نیست که همه آنان با یکایک این معادل‌ها موافق بوده‌اند. تصویب معادل‌ها برحسب معمول با رأی اکثر اعضای حاضر یا به اتفاق آرا صورت گرفته است. امید است فعالان صنعت تایر کشور با به کارگیری معادل‌های مصوب به هماهنگ‌سازی زبان این حوزه یاری رسانند.

گروه واژه‌گزینی
اردیبهشت نودوشش

همکاران علمی

اعضای پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی (شورای فرهنگستان)
مرحوم استاد عبدالمحمد آیتی، دکتر حسن انوری، دکتر نصرالله
پورجوادی، دکتر یدالله ثمره، مرحوم دکتر حسن حبیبی (رئیس فرهنگستان
از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴ و مدیر گروه واژه‌گزینی از ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷)، دکتر غلامعلی
حداد عادل (رئیس فرهنگستان و مدیر گروه واژه‌گزینی از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۳ و از
۱۳۸۷ تا کنون)، استاد بهاء‌الدین خرمشاهی، مرحوم دکتر محمد
خوانساری، دکتر محمد دبیرمقدم، دکتر حسن رضائی باغبیدی*، دکتر
علی رواقی، مرحوم دکتر بهمن سرکاراتی، استاد اسماعیل سعادت،
استاد احمد سمیعی (گیلانی)، مرحوم دکتر دادخدا سیم‌الدین (عضو
تاجیکستانی)، مرحوم دکتر محمدجان شکوری (عضو تاجیکستانی)، دکتر
علی‌اشرف صادقی، دکتر محمود عابدی، استاد کامران فانی، مرحوم
دکتر حمید فرزام، دکتر بدرالزمان قریب، دکتر سیدفتح‌الله مجتبائی، دکتر
مهدی محقق، استاد هوشنگ مرادی کرمانی، دکتر حسین معصومی
همدانی، مرحوم دکتر عبدالقادر منیازف (عضو تاجیکستانی)، دکتر
محمدعلی موحد، مرحوم استاد ابوالحسن نجفی، دکتر سلیم نیساری،
مرحوم دکتر غلام‌سرور همایون (عضو افغانستانی)، دکتر محمدجعفر
یاحقی، دکتر محمدحسین یمین (عضو افغانستانی)

* از اعضای پیشین گروه‌ها یا شوراهای همکاران سابق گروه واژه‌گزینی فرهنگستان هستند.

اعضای شوراهای واژه‌گزینی

اعضای پیوسته: مرحوم دکتر حسن حبیبی (مدیر گروه واژه‌گزینی از ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷)، دکتر غلامعلی حداد عادل (مدیر گروه واژه‌گزینی از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۳ و از ۱۳۸۷ تاکنون)، استاد هوشنگ مرادی کرمانی

سایر اعضا: دکتر ژاله آموزگار (عضو وابسته فرهنگستان)، مهندس محمدرضا بهاری، نسرین پرویزی، مرحوم مصطفی کمال پورتراب، دکتر علی پورجوادی، دکتر هوشنگ رهنما (عضو وابسته فرهنگستان)، دکتر زهره زرشناس، دکتر علاءالدین طباطبایی (عضو وابسته فرهنگستان)، مهندس علی کافی، دکتر شهین نعمت‌زاده

هیئت فنی: نسرین پرویزی (معاون گروه)، دکتر علاءالدین طباطبایی

مسئول تدوین فرهنگ و سرویراستار: مهدی حریری

پژوهشگران گروه واژه‌گزینی: دکتر فرشید سمائی (نماینده فرهنگستان در شورای هماهنگی از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹)، محمود ظریف (نماینده فرهنگستان در شورای هماهنگی از سال ۱۳۸۹ تاکنون)، شکوه‌السادات میرفارسی (نماینده فرهنگستان در شورای هماهنگی از سال ۱۳۸۵ تاکنون)، مهنوش نشاط‌مبینی (تهرانی (نماینده فرهنگستان در شورای هماهنگی تا سال ۱۳۸۵ و پژوهشگر گروه)

اعضای کارگروه تخصصی مهندسی بسیار شاخهٔ تair

مهندس عبدالرضا جعفری، مهندس مجتبی جلالی، دکتر نادر طاهری، دکتر علی عباسیان، مهندس محمدحسن فراهانی، دکتر میرحمیدرضا قریشی

همکاران فنی

ویراستار فنی: عفت امانی

حروف‌نگار و صفحه‌آرا: مهناز مسیبی

نشانه‌های اختصاری

توضیح	✱
صورت اختصاری واژه فارسی	اخت.
مترادف	مت.
صورت اختصاری واژه بیگانه	abbr.
مترادف واژه بیگانه	syn.

قانون ممنوعیت به کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه

مصوب ۱۳۷۵/۹/۲۸

ماده واحده - به منظور قوت و اصالت زبان فارسی به عنوان یکی از ارکان هویت ملی ایران و زبان دوم عالم اسلام و معارف و فرهنگ اسلامی، دستگاههای قانون گذاری اجرایی و قضایی کشور و سازمانها، شرکتها و مؤسسات دولتی و کلیه شرکتهایی که شمول قوانین و مقررات عمومی بر آنها مستلزم ذکر نام است و تمامی شرکتها، سازمانها و نهادهای مذکور در بند (د) تبصره (۲۲) قانون برنامه دوم توسعه، موظفاند از به کار بردن کلمات و واژه های بیگانه در گزارشها و مکاتبات، سخنرانیها، مصاحبه های رسمی خودداری کنند و همچنین استفاده از این واژه ها بر روی کلیه تولیدات داخلی اعم از بخشهای دولتی و غیردولتی که در داخل کشور عرضه می شود ممنوع است.

تبصره ۱- فرهنگستان زبان و ادب فارسی باید براساس اصول و ضوابط مصوب خود برای واژه های مورد نیاز، با اولویت واژه هایی که کاربرد عمومی دارند، رأساً یا با همکاری مراکز علمی، واژه گزینی و یا واژه سازی کند و هر شش ماه یکبار گزارش فعالیت های خود را به کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی و وسایل ارتباط جمعی و حسب مورد سایر کمیسیونهای مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.

تبصره ۲- واژه هایی که فرهنگستان زبان و ادب فارسی معادل یابی را برای آنها ضروری نمی داند و نیز کلماتی که هنوز واژه فارسی معادل آنها به تصویب فرهنگستان نرسیده است از شمول این قانون مستثنی هستند.

تبصره ۳- فرهنگستان علوم و علوم پزشکی و دستگاههای آموزشی و پژوهشی، دانشگاهها و دیگر سازمانهای علمی و فرهنگی مکلف اند در زمینه واژه گزینی و واژه سازی تخصصی اقدام کنند و واژه های پیشنهادی خود را به تصویب فرهنگستان زبان و ادب فارسی برسانند.

تبصره ۴- در مواردی که فرهنگستان زبان و ادب فارسی در زمینه واژه گزینی و واژه سازی تخصصی خواستار همکاری دستگاهها و مراکز علمی، آموزشی، صنعتی و فرهنگی باشد، این دستگاهها و مراکز موظف اند با فرهنگستان همکاری کنند.

تبصره ۵- کارخانه ها، کارگاهها و اماکن تولیدی و خدماتی و تجاری موظف اند ظرف مدت دو سال از تاریخ ابلاغ این قانون اسامی تولیدات و ظرف مدت یک سال نام اماکن خود را به نامها و واژه های غیربیگانه برگردانند.

تبصره ۶- چاپخانه‌ها، مراکز طبع و نشر، روزنامه‌ها و سایر مطبوعات مکلف به رعایت این قانون هستند و در صورت تخلف، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است مطابق تبصره هشتم همین قانون با آنها رفتار کند.

تبصره ۷- صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران موظف است از به‌کارگیری واژه‌های نامأنوس بیگانه خودداری کند و ضوابط دستوری زبان فارسی معیار را رعایت نماید، سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و کلیه دستگاههای مذکور در ماده واحده موظف‌اند واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی را پس از ابلاغ در تمام موارد به‌کار ببرند.

تبصره ۸- تولید و توزیع‌کنندگان کالاها و صاحبان مراکز کسب و پیشه در صورت تخلف از این قانون به ترتیب به مجازاتهای زیر محکوم خواهند شد:

الف - اخطار کتبی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ب - تعویض علائم و نشانه‌ها و تغییر اسامی و عناوین پس از اعلام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط وزارت کشور یا دستگاههای ذی‌ربط با هزینه متخلف.

ج - تعطیل موقت محل کار.

د - لغو پروانه کار.

تبصره ۹- نیروی انتظامی موظف است از نصب و استفاده از علائم به زبان و خط بیگانه توسط مراکز تولید، توزیع و صنوف جلوگیری نماید.

تبصره ۱۰- آیین‌نامه اجرایی این قانون ظرف مدت دو ماه پس از تصویب با پیشنهاد کمیسیون فرهنگی دولت به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و ده تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ چهاردهم آذرماه یکهزار و سیصد و هفتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۵/۹/۲۸ به تأیید شورای نگهبان رسیده‌است.

علی‌اکبر ناطق‌نوری

رئیس مجلس شورای اسلامی

مجموعه واژه‌های مهندسی بسیار شاخه تائر
به ترتیب الفبای فارسی

آ، ا

شده‌اند و درمجموع، نقش رویه را تشکیل می‌دهند

آج‌بردار delugger
وسيله‌ای برای برداشتن آج‌های رویه،
پیش از ساب‌زنی

آج‌قطعه tread block
نوعی آج یا بخش مجزایی از نقش
رویه به شکل چندوجهی با مقاطع
مثلثی یا گرد یا چهارگوش

آج‌قطعه‌ شانه shoulder block
آج‌قطعه‌ای که روی شانه یعنی بین
رویه و دیواره قرار دارد

آج‌نوار tread rib, rib,
tread bar

بخشی از رویه که به صورت نوار
دورتاب‌دور تایر امتداد دارد و
شیارهای تایر، آنها را از یکدیگر
تفکیک می‌کند

آب‌پیمایش hydroplaning,
aquaplaning

حرکت تایر بر روی لایه نازکی از آب
بر اثر قرار گرفتن آب در بین سطح
تماس تایر با جاده

آب‌پیمایش پویا dynamic hydroplaning

نوعی آب‌پیمایش ناشی از ایجاد
نیروهای لختی (inertial forces) سیال
و تشکیل فیلم (film) ضخیم آب

آب‌پیمایش گران‌رو viscous hydroplaning

نوعی آب‌پیمایش ناشی از ایجاد
نیروهای گران‌رو سیال و تشکیل فیلم
(film) نازک آب

آج tread element

هریک از بخش‌های مجزای نقش رویه،
با شکل‌های هندسی مختلف، مانند
دنده یا نوار، که با شیار از یکدیگر جدا

innerliner, liner	آستری	tacticity	آرایش‌مندی
داخلی‌ترین لایه تأیر بی‌تویی که مانع خروج هوا از داخل تأیر می‌شود		وقوع نظم در پیکربندی بسپارهایی که واحدهای تکرارشونده آنها قابلیت ایجاد نظمی فضا‌شیمیایی دارند	
compound ¹	آمیزه	road test	آزمون جاده
مخلوطی که از اختلاط یک بسپار مذاب مانند لاستیک یا پلاستیک با مواد دیگر به کمک یک مخلوط‌کن به دست آید		آزمون خودرو یا بخشی از آن، مانند تأیر، در شرایط واقعی رانندگی	
	آمیزه پاک‌سازی	flow test	آزمون شارش
purge compound, flushing compound, cleaning compound		آزمونی برای ارزیابی یا مطالعه رفتار شارشی مذاب‌ها یا آمیزه‌های بسپاری	
آمیزه‌ای که به صورت خاص برای تمیز کردن درون ماشین‌آلات فراوری تهیه می‌شود			آزمون شارش حلزونی
padding gum	آمیزه ترمیمی	spiral flow test	
آمیزه‌ای مقاوم به گرما که از آن در زیر رویه استفاده می‌کنند و با کمک آن منجید تأیر به قطر موردنظر می‌رسد		تعیین ویژگی‌های شارشی مذاب یا مایع بسپاری با اندازه‌گیری طول و وزن بسپار شاریده در مسیر حلزونی قالب	
repair gum	آمیزه تعمیر	fracture test	آزمون شکست
آمیزه‌ای زودپخت و نرم و چسبناک که به شکل‌های فنیله‌ای، نواری یا ورقی برای تعمیر موضعی تأیر از آن استفاده می‌شود		آزمونی که در آن نمونه را می‌شکنند و با چشم غیرمسلح یا با ریزبین/ میکروسکوپ معمولی ترکیب و اندازه دانه و عمق ترک یا عیوب داخلی نمونه را بررسی و تعیین می‌کنند	
cushion gum, curing gum, bonding gum, gum stock	آمیزه چسبان	plunger test	آزمون مقاومت منجید
آمیزه‌ای لاستیکی و نرم و چسبناک برای تعمیر موضعی تأیر از طریق		آزمون سنجش بارپذیری تأیر و مقاومت آن در برابر صدمات جاده‌ای و ضربه به رویه تأیر	

تبدیل انرژی مکانیکی به گرما بر اثر اصطکاک در فرایندهای مکانیکی

روکش کاری یا چسباندن رویه تایلر به زیرساخت

احیای لاستیک

rubber reclamation,
reclamation, reclaiming

تخریب ساختار شبکه‌ای لاستیک از طریق فرایندهای شیمیایی و گرمایی و مکانیکی و رسیدن به زنجیرهای آزاد

آمیزه چسبان رویه پیش‌پخته

precured tread cushion gum
آمیزه‌ای لاستیکی و چسبناک برای چسباندن رویه پیش‌پخته به سطح ساب‌خورده متجید

آمیزه‌ساز

compounder
دستگاهی که در آن فرایند آمیزه‌سازی صورت می‌گیرد

ارتعاش

vibration
فرایند دوره‌ای یا حرکت خطی یک ذره یا جسم جامد کشسان حول وضعیت تعادل

آمیزه‌سازی

compounding
فرایندی که در آن از اختلاط یک بسپار مذاب با مواد دیگر، آمیزه به دست آید

ارتفاع مقطع

section height, SH
ارتفاع تایلر از لبه رینگ (rim flange) تا سطح بالایی رویه

آهنگ برش

shear rate, velocity gradient
آهنگ تغییر کرنش برشی با زمان
مت. آهنگ کرنش برشی

ارتفاع مقطع زیر بار

loaded section height
ارتفاع مقطع تایلر در هنگامی که با جاده در تماس است

shear-strain rate

آهنگ کرنش برشی

← آهنگ برش

ازدیاد طول ← کشامد

اتصال عرضی

cross link
شاخه‌ای که به‌طور اشتراکی یک زنجیر بسپار را به زنجیر دیگر متصل می‌کند

آزونش

ozonization
فرایند آمایش یا آغشته‌سازی یا ترکیب کردن با آزون

اتلاف

dissipation

بارگذاری تایر بیش از ظرفیت حمل
بار نوشته شده بر روی دیواره آن

fluctuation **اُفت و خیز**

انحراف هر کمیت از مقدار میانگین آن
که معمولاً بین دو مقدار حدی کمینه و
بیشینه تغییر می‌کند

oxidation **اُکسایش**

واکنشی که در آن ترکیبات یا بنیان‌ها
الکترون از دست می‌دهند

oxidant, oxidizer, **اُکسنده**
oxidizing agent

ماده‌ای که ماده دیگر را اُکسید می‌کند

اُکسنده‌های نورشیمیایی
photochemical oxidants

۱. هر نوع ماده شیمیایی که در برابر
نور یا انرژی تابشی دیگر به عنوان
اُکسنده در واکنش اکسایش شرکت
کند ۲. آلاینده‌های ثانوی حاصل از
برهم‌کنش برخی آلاینده‌های موجود
در هوا که در مجاورت نور خورشید
تولید می‌شوند

الگوی ساب‌زنی
buffing template

قطعه فلزی برای هدایت تیغه ساب‌زنی
در ایجاد انحنا مناسب

استحکام کششی

tensile strength

بیشترین تنش کششی تحمل‌پذیر برای
هر ماده بی‌آنکه گسیخته شود

استحکام کششی نهایی

ultimate tensile strength

بیشینه باری که نمونه‌ای از جسم در
برابر کشش می‌تواند تحمل کند

استحکام نهایی

ultimate strength

بیشترین تنش تحمل‌پذیر برای هر ماده
بی‌آنکه تغییر شکل دائمی دهد یا
شکسته شود

اصطکاک جنبشی

kinetic friction

اصطکاک بین دو سطح در حال لغزش
نسبت به یکدیگر

اصطکاک غلتشی

rolling friction

نیروی اصطکاک بین جسم غلتان و
سطحی که غلتش بر روی آن انجام
می‌شود

اضافه بار

overload

باری بیش از آنچه تایر برای آن
طراحی شده است

اضافه بارگذاری

overloading

مولکول‌ها که به‌نحوی کنار هم گرد
آمده‌اند

امتزاج‌پذیری miscibility
قابلیت حل شدن دو مایع در یکدیگر

انرژی کرنش strain energy
انرژی انباشته‌شده در جسم بر اثر
تغییر شکل کشسان آن

انبوهه aggregate
گروهی از گونه‌های مختلف مانند
قطرات یا حباب‌ها یا ذرات یا

ب

بارپذیری

load-carrying capacity

میزان بار مجاز در حداکثر فشار باد
تایر

بازوی خودتنظیمی

pneumatic trail

فاصله مرکز تماس از خط تأثیر
نیروی جانبی

بازدارندهٔ اُکسایش

oxidation inhibitor

ماده‌ای که با افزوده شدن به ماده‌ای
دیگر، مقاومت آن ماده را در برابر
حملات زیان‌بار محیط‌های اکسند
افزایش می‌دهد

بالاگرد

turn up, ply turnup

بخش انتهایی لایه‌های منجید که به
دور مجموعهٔ طوقه پیچیده می‌شود

باله

flipper, filler strip

نوار باریکی از منسوج آغشته به
لاستیک که اجزای طوقه را در بر
می‌گیرد و موجب می‌شود سفتی از
طوقه تا دیواره به تدریج کاهش یابد
مت. باله طوقه

بازشدگی سروصل رویه

open tread splice,
open splice

جداشدگی دو سر رویهٔ تایر در محل
سروصل در جهت شعاعی

باله طوقه ← باله

بازلاستیک

← لاستیک احیاشده

برآمدگی

bulge

نقطهٔ ضعیفی در دیوارهٔ تایر که در
هنگام باد کردن تایر بالا می‌آید

barrier polymer, بسیار سدی
barrier resin

بسپاری که ضریب تراوایی آن در برابر یک گروه شیمیایی یا ماده خاص اندک است

polymerization بسیارش

۱. عمل به هم پیوستن دو یا چند تکیار برای تولید یک بسیار ۲. هر واکنش شیمیایی که سبب به هم پیوستگی دو یا چند تکیار شود

بسپارش تعلیقی
suspension polymerization

بسپارشی که در آن تکیارها به وسیله همزن مکانیکی در فاز مایع پراکنده می شوند

بسپار گرماسخت
thermosetting polymer

بسپاری با وزن مولکولی کم یا زیاد که می توان با پخت یا شبکه ای کردن آن، پلاستیک شبکه ای یا لاستیک ولکانیده به دست آورد

polydispersity بس پراکندگی

پهنای توزیع وزن مولکولی یک بسیار
مت. شاخص بس پراکندگی

polydispersity index,
polymolecularity index

polydisperse بس پراکنده

ویژگی بسپاری که مولکول های آن وزن های مولکولی متفاوت دارند

pure shear برش خالص

نوعی کرنش ناچرخشی که در آن ابعاد جسم در یک راستا افزایش پیدا می کند و در راستای عمود بر آن کوتاه می شود

ream بُرقوزنی

تمیز کردن سطح آسیب دیده یا سوراخ شده پیش از تعمیر کردن یا پنچرگیری

بسامد بهنجار
normal frequency

بسامد ارتعاش های طبیعی هر سامانه یا سازه

بسپار آرایشمند
tactic polymer

بسپاری با ساختار فضایی منظم

بسپار تکسوارایش
isotactic polymer

بسپاری که دست کم یکی از گروه های واحد تکرارشونده زنجیر آن در یک طرف زنجیر قرار گرفته است و پیکربندی یکسانی دارد

بسپار دوسوارایش
syndiotactic polymer

بسپاری که گروه های جانبی تکرارشونده آن به صورت متناوب در طرفین زنجیر، یعنی بالا و پایین صفحه زنجیر، قرار دارند

oversteer بیش فرمان‌گیری
وضعیتی که در آن تایرهای عقب،
به جای حرکت همپا با تایرهای جلو،
به سمت بیرون خم جاده حرکت
می‌کنند

developed footprint width بیشینه پهنای جاپا
حداکثر عرض جاپای تایر در شرایط
مشخص اندازه‌گیری

developed footprint length بیشینه طول جاپا
حداکثر طول جاپا در جهت حرکت
محیطی تایر در شرایط مشخص
اندازه‌گیری

crystal بلور
عنصر یا ترکیب شیمیایی جامد ممکن
با آرایش اتمی منظم که ممکن است
شکل آن نیز از سطوح هندسی منظم
تشکیل شده باشد

crystalline بلورین
مربوط یا شبیه به بلور یا مرکب از
بلورها

crystallinity بلورینگی
میزان جهت‌گیری زنجیره مولکول‌های
بی‌نظم در طول زنجیره بسیار
به صورت طرح‌های تکرار شونده که کم
و زیاد بودن آن بر استحکام و سختی
و انعطاف‌پذیری در دمای پایین و
مقاومت گرمایی بسیار اثر می‌گذارد

پ

افزایش گرانروی در طول زمان
به صورت برگشت پذیر و در آهنگ
برش خاص

پاشنه طوقه bead heel
لبه بیرونی طوقه که بر روی رینگ
(rim) می نشیند

پاک سازی purging
جانشین کردن ماده ای به جای ماده
درون یک محفظه به نحوی که محفظه
عاری از ماده اولیه شود

پاک سازی شده purged
در فرایندهایی نظیر قالب گیری
تزریقی، ویژگی استوانکی است که
محتوای آن به بیرون پرانده شده است
تا مواد ناخواسته را از استوانک
بزداید

پاد اُزوننده anti-ozonant
ترکیبی شیمیایی که مانع تخریب مواد
بر اثر گاز اُزون موجود در هوا
می شود یا فرایند تخریب مواد را کند
می کند

پاد اُکسنده antioxidant
ماده ای بازدارنده برای جلوگیری از
اُکسایش

پاد اُکسنده غیر لکه زا nonstaining antioxidant
پاد اکسنده ای که بسپار یا ماده مجاور
بسپار را که از آن محافظت می کند،
چه در ابتدا و چه پس از تخریب، رنگی
نمی کند

پاد روان وردی negative thixotropy,
anti-thixotropy

فرایندی که در آن ذرات یک ماده در ماده‌ای دیگر پراکنده می‌شود	stable	پایدار
	ویژگی سامانه‌ای که حالت آن بدون دخالت عامل خارجی تغییر نکند	
dispersion ²	پراکنه	پایدارسازی
سامانه‌ای دوفازی که فاز پراکنده آن به صورت ذرات کوچک در فاز پیوسته توزیع می‌شود	stabilization	فرآوری ماده مغناطیسی برای تقویت پایداری خواص مغناطیسی آن
press	پرس	پایداری
دستگاهی که پرس‌کاری با آن انجام شود	stability	وضعیت هر سامانه دینامیکی که در صورت دور شدن از پیکربندی تعادلی‌اش، گرایش به بازگشت به حالت پیشین داشته باشد
pressing	پرس‌کاری	پایین‌دیواره
فرایندی که در آن، قطعه جامد یا مجموعه مواد پودری با فشردن شدن در داخل قالب به شکل موردنظر تبدیل شود	lower sidewall	ناحیه زیر خط حداکثر پهنای مقطع، که بخشی از آن در داخل رینگ (rim) قرار می‌گیرد
bead filler, apex strip, apex	پُرکن طوقه	پخت ¹
نوار لاستیکی با مقطع مثلثی در ناحیه طوقه تایر که سطح صاف و یکدستی در بالای طوقه و پایین‌دیواره تایر به وجود می‌آورد؛ از نوع کشیده و بزرگ آن برای سفت کردن پایین‌دیواره استفاده می‌شود	curing ¹	فرایندی شیمیایی که در آن بسپارها یا چندپارها به هم متصل می‌شوند تا شبکه‌ای بسپاری تشکیل دهند
		پخت ² ← ولکانش
tweel	پره‌چرخ	پخت تکمیلی ← پس‌پزی
تایری آزمایشی و بدون هوا که پنجر نمی‌شود و پره‌هایی از جنس پلی‌یورتان منعطف دارد که به رینگ (rim) بیرونی وصل می‌شود		پخت ناقص ← ناپختگی
	dispersion ¹ , dispersing	پراکنش

پنجه‌بازی گردشی toe-out-turns, Ackerman angle, toe out during turns اختلاف زاویه گردش چرخ‌های یک محور، در هنگام گردش خودرو به سمت چپ یا راست	پس‌پزی postcuring مرحله نهایی پخت برخی از محصولات مت. پخت تکمیلی
پنجه‌بستگی toe in وضعیتی که در آن بخش پیشین دو تایر نصب‌شده بر یک محور به هم نزدیک‌تر باشند	پشم شیشه glass wool توده‌ای از الیاف شیشه شبیه به پشم که به‌عنوان عایق و پُرکن و صافی هوا به کار می‌رود
پنجه طوقه bead toe لبه داخلی طوقه	پلگی heel and toe wear¹, heel-toe wear¹ رفتگی یک‌طرفه آج قطعه‌ها در تایرهای شعاعی؛ معمولاً رفتگی لبه آج قطعه‌هایی که زودتر بر جاده قرار می‌گیرند، بیشتر است
پنچرگیری puncture repair روش‌های گوناگون تعمیر تایری که بر اثر ورود جسم خارجی به آن پنچر شده است	پله کردن heel and toe wear², heel-toe wear² ساییده شدن سطح لاستیک از یک طرف به‌طوری‌که بر اثر فرورفتن نواری از آج قطعه‌ها، در عرض لاستیک حالت پله‌ای به وجود آید
پنچری tyre puncture, puncture سوراخی ناشی از ورود جسم خارجی به بدنه تایر که به از دست رفتن فشار هوای آن منجر شود	پلیسه flash, fin زائده‌های مسطح و نازک در سطح جدایش قالب یا سطح جدایش ماهیچه
پود weft, filling, woof, shute, shoot نخی که در جهت عرض پارچه‌های تار-پودی قرار می‌گیرد	پنجه‌بازی toe out وضعیتی که در آن بخش پسین دو تایر نصب‌شده بر یک محور به هم نزدیک‌تر باشند

مرکب‌های چاپ و سایر مواد مشابه
که بر سطحی نشانده می‌شوند

coating¹

پوشانش

فرایند تشکیل پوشه بر سطح
م. پوشش‌دهی

پوشش‌دهی ← پوشانش

پهنای مقطع
section width,
SW

بیشترین فاصله یک دیواره تا دیواره
دیگر تایر، بدون در نظر گرفتن حروف
یا ارقام برجسته روی آن

enveloping

پوش‌دهی

قابلیت تایر برای بلع (absorb) آن دسته
از ناهمواری‌های مسیر که کوچک‌تر از
جای پای تایر هستند

coating²

پوشش

انواع پوش‌رنگ‌ها و لعاب‌ها و

ت، ث

تاف ← ترکیبات آلی فرار

تانسور کرنش strain tensor

تانسور مرتبه دوم متقارنی که مؤلفه‌های آن کرنش‌های نه‌گانه هر سامانه‌ای را به دست می‌دهد

تانه strand, tow

۱. نخ یک‌لا یا چندلا که از اجزای تشکیل‌دهنده طناب است ۲. مواد نساجی به هم پیوسته و دراز

تایر tyre

قطعه‌ای لاستیکی که بر روی چرخ وسیله نقلیه سوار می‌شود به نحوی که با سطح زمین همواره در تماس است و با کاستن از شدت ضربات ناشی از عوارض جاده و تحمل بار وارد شده، حرکت چرخ و جابه‌جایی وسیله نقلیه را بسیار آسان می‌کند

تابع اتلاف گران‌روی

viscous dissipation function

معادله درجه دومی از مشتق مکانی مؤلفه‌های سرعت که آهنگ تبدیل انرژی مکانیکی به انرژی گرمایی را بر اثر گران‌روی به دست می‌دهد

تابینه cable

ساختاری متشکل از دو یا چند رشته به هم تابیده

تاپ‌تاپ thump

ارتعاشی تناوبی یا صدایی محسوس که تایر آن را تولید می‌کند و احساس کوبشی هماهنگ با چرخش تایر ایجاد می‌کند

تار warp, chain

نخی که در جهت طول پارچه‌های تار-پودی قرار می‌گیرد

تایر پاپهن wide-base tyre

نوعی تایر باری که به جای جفت-تایر بر محور جفت-چرخ قرار می‌گیرد و پهنای مقطع آن به ۴۵ سانتی‌متر می‌رسد

تایر پُر بار extra load, XL,

extra load tyre,
reinforced tyre, RF

نوعی تایر سواری که بیشینه فشار باد آن می‌تواند بیش از تایرهای بارمتعارف باشد و به همین دلیل، ظرفیت حمل بار آن بیشتر است

تایر پنچرو run-flat tyre,

run-flat

تایری که چنان طراحی شده است که در حالت پنچری تا رسیدن به نزدیک‌ترین تعمیرگاه بتوان از آن استفاده کرد

تایر تابستانی summer tyre

تایری با ترمزگیری خوب بر روی زمین‌های خشک و خیس در دماهایی بالاتر از دمایی که در آن یخ‌زدگی جاده مشاهده می‌شود

تایر تعمیری repaired tyre

تایری که پنچری یا بریدگی یا انواع دیگری از آسیب‌دیدگی آن تعمیر شده باشد تا به استحکام و انعطاف‌پذیری مناسب برای استفاده برسد

تایر اصل original equipment

tyre, OE tyre,
original equipment, OE

تایری که به سفارش خودروساز ساخته شده است و با توجه به مشخصه‌های خودرو بهترین عملکرد را دارد

تایر اقتصادی economy tyre,

budget tyre

تایری با کیفیت نسبتاً مناسب که از تایرهای معمولی ارزان‌تر و از لحاظ عملکرد ضعیف‌تر است

تایر باتویی tube-type tyre,

tube-type

نوعی تایر بادی که برای نگهداشت هوا به تویی نیاز دارد

تایر بادی pneumatic tyre

تایری که با هوا یا گاز نیتروژن پُر می‌شود

تایر بارمتعارف standard load,

SL, standard load tyre

نوعی تایر سواری با بیشینه فشار باد ۳۵ psi

تایر باری truck tyre

تایری با قطر رینگ (rim) بیشتر از ۲۰ اینچ یا ۵۰/۸ سانتی‌متر

تایر بی‌تویی tubeless tyre

نوعی تایر بادی که برای نگهداشت هوا به تویی نیاز ندارد

تایر دورسفید whitewall tyre

تایری که یا تمام دیواره آن سفید است یا نوار نازک سفیدی بر روی آن کشیده شده است

تایر دوطوقه dual bead tyre

نوعی تایر باری برای شرایط کاری سخت‌تر که در آن به جای یک دسته سیم‌طوقه از دو دسته سیم‌طوقه یا بیشتر استفاده می‌شود

تایر دیواره کوتاه

low profile tyre

تایری با دیواره کم‌ارتفاع و مناسب برای خودروهای با عملکرد بالا

تایر رادیال ← تایر شعاعی**تایر راه‌سازی off-the-road tyre, off-the-road, OTR**

تایر خودروهای مخصوص عملیات راه‌سازی و ساختمانی و معدنی

تایر روکشی retreaded tyre

تایری که عمر آن با پخت رویه جدید بر روی متجید ساب‌خورده آن، افزایش یافته است

تایر زمستانی winter tyre

تایری که در آب‌وهوای سرد و دمای کمتر از هفت درجهٔ سلسیوس به خوبی کار می‌کند

تایر توپر solid tyre, solid, nonpneumatic tyre, NPT

تایری که معمولاً در چرخ‌هایی با حرکت آرام و محدود، مانند چرخک و پاروک، کاربرد دارد و با هوا پُر نمی‌شود

تایر جابازکرده grown tyre

تایری که ابعاد آن بر اثر کار کردن بزرگ‌تر شده باشد

تایر جایگزین

replacement tyre

هر تایری به جز تایر اصل

تایر چهارفصل

all-season tyre

تایری با رویهٔ بادوام و قدرت کشانش مناسب در جاده‌های خیس و خشک که حرکتی نرم و بی‌صدا دارد

تایر خام green tyre¹, raw tyre

تایر ساخته‌شده‌ای که هنوز پخت نشده است

تایر خوابیده flat tyre

تایری بادی که به دلایل مختلف باد آن خالی شده باشد

تایر درجه‌دو blemish tyre, blem, second grade tyre

تایری که از نظر زیبایی یا یکنواختی نقص دارد، اما از نظر ایمنی و کارایی ایرادی ندارد

تایر صاف slick tyre

تایری فاقد نقش رویه که سطح رویه آن کاملاً صاف است

تایر صنعتی industrial tyre

رده‌ای از تایرهای بادی و توپر که در ماشین‌آلات صنعتی و ساختمان‌سازی، مانند انواع افزازه‌ها، به کار می‌رود

تایر صنعتی توپر industrial solid tyre

نوعی تایر توپر که از آن در افزازه‌ها

استفاده می‌شود و پنچر نمی‌شود

تایر فرسوده worn tyre

هر تایری که آن را به دلیل رفتگی زیاد و خطرات احتمالی ناشی از آن از روی خودرو باز کرده باشند

تایر کار commercial tyre

هریک از انواع تایرهای باری و باری - مسافری و صنعتی

تایر کار high-performance tyre, maximum

performance tyre,
ultra-high-performance tyre

تایری که در مقایسه با تایرهای معمولی توانایی بیشتری در فرمان‌گیری و چنگ‌زنی به جاده و هدایت‌پذیری، به‌خصوص در سرعت‌های بالا دارد

تایر سبز green tyre²

هرنوع تایر که موجب کاهش مصرف سوخت خودرو شود و در قیاس با سایر تایرها، مقاومت غلتشی کمتری داشته باشد

تایر سواری**passenger car tyre**

تایری ویژه خودروهای سواری با قطر رینگ (rim) کمتر از ۱۸ اینچ یا ۴۵/۷ سانتی‌متر

تایر شعاعی radial tyre,

radial-ply tyre

تایری که رسن‌های بدنه آن با خط مرکزی تایر زاویه نود درجه می‌سازد
مت. تایر رادیال

تایر شنی floatation tyre

تایری که با داشتن نقش رویه خاص، کمتر از سایر انواع تایر در خاک فرومی‌رود

تایر شیارخور**regroovable tyre**

تایری که ضخامت آن به‌حدی است که شیارزنی آن امکان‌پذیر باشد یا بتوان بر رویه آن مجدداً نقش زد

تایر شیارخورده**regrooved tyre**

تایری که بر رویه آن شیارزنی شده است

- تایر کشاورزی** racing tyre
 تایر مسابقه
 هر نوع تایر خاص خودروهای مسابقه که برای شرایط ویژه میدان‌های مسابقه طراحی شده باشد
- تایر کم‌بار** agricultural tyre
 تایر مخصوص خودروهای کشاورزی، مانند تراکتور و برخی از کمباین‌ها
- تایر کم‌بار** light load, LL, light load tyre
 نوعی تایر سواری که ظرفیت حمل بار آن کمتر از تایر بارمتعارف است
- تایر کم‌فشار** low-pressure tyre
 تایری با پهنای مقطع بزرگ و حجم هوای زیاد که در فشار باد کم کارایی دارد
- تایر گُل‌برفی** snow tyre
 تایری که نقش رویه آن طوری طراحی شده است تا در برف کشانش بهتری ایجاد کند
- تایر لایه‌اریب** bias tyre
 تایری که رسن‌های آن با خط مرکزی تایر زاویه ۳۰ تا ۴۵ درجه می‌سازند
- تایر لایه‌اریب تسمه‌ای** bias-belted tyre, belted-bias tyre
 نوعی تایر لایه‌اریب با تسمه‌هایی از رسن نخ فولاد یا شیشه که بر روی لایه‌ها قرار دارند و با خط مرکزی رویه زاویه تند می‌سازند
- تایر نو** new tyre
 تایر کارنکرده‌ای که هنوز بر روی رینگ (rim) سوار نشده یا تایر کارکرده‌ای که هنوز روکش نشده است
- تحلیل نقشه واهلش** relaxation map analysis, RMA
 روشی که براساس آن نتایج یک رشته از آزمایش‌های جریان گرمابرانگیخته به زمان‌های واهلش تبدیل و در برابر دمای مطلق رسم می‌شود تا بتوان آنتالپی و آنتروپی فعال‌سازی واهلش‌های مولکولی را تخمین زد
- تحلیل نوفه** noise analysis
 تعیین مؤلفه‌های بسامدی تشکیل‌دهنده نوفه
- تخت‌شدگی** flat spotting
 عیبی موقت که بر اثر توقف طولانی مدت خودرو در برخی تایرها رخ می‌دهد و به تغییر شکل رسن‌های تایر و در نتیجه پخ شدن قسمت زیرین آن منجر می‌شود

ترک‌خوردگی سطح قطعه فلزی یا
غیرفلزی تحت کششی که در معرض
اُزون قرار دارد

degradation **تخریب**
تغییر زیان‌آور در خواص فیزیکی و
شیمیایی ماده غیرفلزی

ترک‌خوردگی شعاعی
radial crack
ترکی بر دیواره بیرونی تایر که
به‌صورت عمودی به سمت طوقه
گسترش می‌یابد

noise level **تراز نوفه**
میانگین شدت صوت و جریان یا ولتاژ
ناخواسته نسبت به کمیت متناظر معین

permeable **تراوا**
ویژگی محیط متخلخل برای گذردهی
ماده

ترک‌خوردگی شیار
groove cracking, groove
cracks, fabric fraying
شکاف یا ترک در کف شیارهای رویه
تایر

permeability **تراوایی**
شاخصی برای ویژگی مغناطیسی
ماده که به‌صورت نسبت میدان
مغناطیسی القاشده در ماده به میدان
مغناطیسی القاکننده تعریف می‌شود

ترک‌زایی اُزونی
ozone cracking²
تشکیل ترک بر سطح لاستیک تحت
کششی که در معرض اُزون قرار
دارد

permeation **تراوش**
عبور مولکول‌ها یا اتم‌ها یا یون‌ها از
محیط متخلخل یا تراوا

checking¹, **ترکسار**
check cracks
ترک‌های ریز بر سطح قطعه لاستیک،
مانند تایر، که بر اثر اکسایش یا پیرش
پدید می‌آید

crazing **ترکچه‌زایی**
گسترش ترک‌های ریز بر سطح ماده

ترک‌خوردگی اریب
diagonal cracking
ترک‌هایی مایل یا کج در نیمه بالایی
دیواره تایر

checking² **ترکسارش**
تشکیل ترک‌های ریز بر سطح قطعه
لاستیک، بر اثر اکسایش یا پیرش

ترک‌خوردگی اُزونی
ozone cracking¹,
ozone checking¹

در تایرهای شعاعی سیمی (steel radial tyres)، لایه کم‌عرضی از سیم‌های فولادی پوشیده با آمیزه لاستیکی که زیر رویه و به موازات آن قرار می‌گیرد

تسمه محافظ protector ply

در ساختار چهارتسمه‌ای، بالاترین تسمه سیمی که از سه تسمه دیگر محافظت می‌کند

تصحیح بگلی

Bagley entrance correction,
Bagley correction,
Bagley end correction,
Bagley end-effect
correction, end correction,
end-effect correction,
entrance effect correction,
head effect, Couette
correction

تصحیحی که بر روی داده‌های شارش‌سنج مویلوله‌ای انجام می‌شود تا اثرات کشسانی در ورودی دای (die) رفع شود

تعلیق suspension¹

فرایند اختلاط ذرات ریز جامد یا مایع در یک مایع یا گاز به صورت معلق

تعلیق suspension²

مخلوطی از ذرات ریز جامد یا مایع که در یک مایع یا گاز معلق باشد

ترکسارش جوئی

weather checking

پُرترک شدن قطعه لاستیکی یا دیواره تأیر به دلیل پیر شدن یا شرایط جوئی مؤثر بر لاستیک

ترکیب compound²,

chemical compound

جسمی متشکل از دو یا چند عنصر در نسبت‌های معین که با هم پیوند شیمیایی داشته باشند

ترکیبات آلی فرار volatile

organic compounds

مواد شیمیایی آلی که در دما و فشار معمولی به آسانی تبخیر می‌شوند
VOCs /خس. تاف

ترکیدن blowout

ازهم‌گسیختگی ناگهانی بدنه تأیر که به از دست رفتن یکباره فشار هوا و خالی شدن باد آن منجر می‌شود

تسلیم برشی shear yielding,

shear banding

وارد آوردن تنش بر ماده، فراتر از نقطه تسلیم، چنانچه بدون تغییر حجم دچار کج‌ریختی شود

تسمه belt

لایه‌ای از رسن‌های آغشته به لاستیک که بین متجید و رویه قرار می‌گیرد

تسمه سیمی steel belt

momentum	تکانه	spot repair, surface repair	تعمیر سطحی
کمیتی بُرداری که در مکانیک کلاسیک عبارت است از حاصل ضرب جرم جسم در سرعت آن		نوعی تعمیر مَنجید، در صورتی که میزان آسیب دیدگی لایه ها کمتر از ۲۵ درصد ضخامت مَنجید باشد؛ ترمیم این آسیب دیدگی ها با تکه ای لاستیک انجام می شود	
monomer	تکپار	تعمیر سوراخ مَنجید	
مولکولی که با مولکول های دیگر تشکیل بَسپار دهد		nail hole repair	
monofilament, monofilament yarn	تک رشته	نوعی تعمیر سوراخ های تایر، در مواردی که قطر سوراخ ایجاد شده در تایر باری تا ۹/۵ میلی متر و در تایر سواری تا ۶ میلی متر باشد و سوراخ تا شانه دست کم ۲/۵ سانتی متر فاصله داشته باشد	
رشته منفردی که به تنهایی و نه همراه با دیگر رشته ها به عنوان بخشی از یک نخ به کار رود		section repair	تعمیر عمقی
تمیزکاری پاششی		نوعی تعمیر مَنجید، در صورتی که میزان آسیب دیدگی لایه ها عمیق و بیش از ۷۵ درصد باشد	
blast cleaning, abrasive blast cleaning		تعمیر نیمه عمقی	
تمیزکاری سطح با پاشش ذرات ساینده		reinforcement repair	
مت. تمیزکاری سایشی		نوعی تعمیر مَنجید تایر لایه اریب، در صورتی که آسیب دیدگی مَنجید ۲۵ تا ۷۵ درصد باشد؛ ناحیه آسیب دیده با استفاده از وصله منسوج و فقیله ترمیم می شود	
abrasive cleaning		تغییر کج پنجگی	
تمیزکاری سایشی		تغییر کج پنجگی	
← تمیزکاری پاششی		وضعیتی که در آن کج پنجگی چرخ های جلو بر اثر بالا و پایین شدن سامانه تعلیق خودرو تغییر می کند	
تنجش ← جمع شدگی		toe change	
compliance	تن دهی	وضعیتی که در آن کج پنجگی چرخ های جلو بر اثر بالا و پایین شدن سامانه تعلیق خودرو تغییر می کند	
خاصیت تغییر شکل پذیری اجسام بر اثر نیروی وارد شده			

depression	تورفتگی	تنش تک‌محوری	uniaxial stress
نقطه‌ای بسیار مقاوم در تایلر که در هنگام باد کردن تایلر، به اندازه نقاط دیگر بالا نمی‌آید و تو می‌ماند		حالت تنشی که در آن فقط یکی از تنش‌های اصلی غیر صفر است	
tube, inner tube	تویی	تنش تنجش ← تنش جمع‌شدگی	
محفظه‌ای استوانه‌ای در درون تایلر بادی برای نگهداشت هوا			
	تیغه ← دستگاه برش	تنش جمع‌شدگی	shrinkage stress
		فشار فصل مشترک در یک چندسازه لیفی که در حین پخت یا جامد شدن ماتریس دور لیف‌ها رخ می‌دهد	
	ثابت تن‌دهی	مت. تنش تنجش	
compliance constant		تنش‌سنج	tensiometer
ضریبی که در قانون تعمیم‌یافته هوک ظاهر می‌شود و ارتباط بین تنش و کرنش را در جسم نشان می‌دهد		افزاره‌ای برای اندازه‌گیری تنش طولی ماده	
stiffness constant	ثابت سفتی	تنش کششی	tensile stress
ضریبی در قانون تعمیم‌یافته هوک که به موجب آن تنش وارد بر جسم با کرنش تولیدشده متناسب است		تنشی که در جهت افزایش طول جسم بر آن وارد می‌شود	

ج

جدا شدن لبه تسمه از متجید که
به صورت برآمدگی یا شکاف در ناحیه
شانه نمایان می شود

جابه جایی تایر tyre rotation
تغییر جای چرخ های خودرو از یک
محور به محور دیگر

جدایی دیواره
sidewall separation
جدا شدن لاستیک دیواره از متجید که
به نمایان شدن رسن های لایه منجر
می شود

جاپا footprint, contact patch
ناحیه تماس تایر با زمین که شامل
نواحی چسبیده و خالی رویه تایر
است

جدایی طوقه ای
bead separation,
bead ripped
جدا شدن اجزای تایر در ناحیه طوقه

جاده چسبی road holding
چسبیدن مؤثر تایر به جاده، به ویژه
در سرعت های بالا، پیچ های تند یا
مسیرهای خیس

جدایی طوقه پوش
chafer separation,
reinforce separation

جدایی آستری
innerliner separation, ILS
جدا شدن آستری از لایه داخلی متجید

نوعی جدایی به صورت ترک های
محیطی در بالای ناحیه لبه طوقه
به حدی که متجید نمایان شود

جدایی تسمه belt separation,
BES, belt edge separation,
belt lift

جریان فشاری	جدایی گسترده
← شارش فشاری	massive separation
	نوعی جدایی که در صورت رشد ترک در دیواره یا آستری رخ می‌دهد و در طی آن، لایه‌های منجید از داخل به شدت تخریب و از هم جدا می‌شود و سرانجام تایلر می‌ترکد
جریان مذاب ← شارش مذاب	جدایی لایه‌ها
جریان نشتی	ply separation
← شارش نشتی	جدا شدن لایه‌های مجاور از یکدیگر در منجید
جزء	component
بخشی از یک مخلوط	
جمع‌شدگی	shrinkage
کاهش حجم قطعه قالب‌گیری شده پس از سرد شدن و رهایش از قالب	
مت. تنجش	
جنش‌شناسی	kinetics
شاخه‌ای از مکانیک که با رابطه بین حرکت و نیرو و جرم اجسام سروکار دارد	
جرم‌گرفتگی	fouling
نشست و تجمع ذرات بر سطوح تبادلگر گرما	

چ

چند رشته multifilament
مجموع شماری رشته که در کنار
یکدیگر قرار گرفته باشند

چندسازه composite,
composite material
ماده‌ای مرکب حاصل از تلفیق دو یا
چند ماده که در آن هریک از مواد
سازنده هویت خود را حفظ می‌کند و
خواص محصول نهایی با خواص
هریک از اجزای سازنده آن متفاوت
است

چندسازه الیاف کوتاه
short fibre composite,
chopped fibre composite
چندسازه‌ای که برای تقویت آن از
الیاف کوتاه غیرپیوسته استفاده
می‌کنند

چرخانه rotor
بخش چرخنده هر ماشین الکتریکی

چرخ سابزنی buffing wheel
چرخ‌ی با سطح ساینده برای انجام
عملیات سابزنی

چرخه پخت cure cycle
برنامه‌ای زمانی که در طی آن یک
آمیزه گرماسخت پلاستیکی یا
لاستیکی در شرایط دمایی معین قرار
می‌گیرد تا دارای خواص مشخصی
شود

چقرمگی شکست fracture toughness
خاصیتی در مواد که توصیف‌کننده
مقاومت مواد در برابر گسترش ترک
است

چنگ‌زنی جانبی lateral grip

چسبندگی تایر به جاده، علی‌رغم
وجود نیروهای مزاحم تعادل
حرکتی

چنگ‌زنی grip, traction¹

چسبندگی تایر به سطح جاده که در
جاده چسبی و ترمزگیری مطمئن
اهمیت دارد

ح ، خ

خواص ضدلک

antistaining properties

مقاومت سطوح در برابر نشستن
لکه‌های روغن‌پایه یا آب‌پایه بر آنها

خودپزش ← خودولکانش

خودرو تجاری

commercial vehicle, CV

خودروی که در جریان یک برنامه
تجاری برای حمل کالا یا مسافر به
کار می‌رود

خودولکانش self vulcanisation

ولکانشی در دمای اتاق یا بالاتر از آن
که به کمک ماده شیمیایی و بدون
گرمادهی از منبع بیرونی رخ
می‌دهد

self curing

م. خودپزش

حجم‌افزای برشی dilatant¹

ماده‌ای که در نتیجه افزایش آهنگ
برش حجم آن افزایش می‌یابد

dilatation, dilation, حجم‌افزایی
bulk strain,
dilatational strain

تغییر شکل در سه بعد که به تغییر
حجم منجر می‌شود

خط ساب buff line

خط جدایی منجید ساب‌خورده و رویه
جدید

خواص سدی

barrier properties

خواصی در مواد که مانع از عبور بو
و طعم و گاز از ماده و انتقال آن به
مواد دیگر می‌شود

ease of flow,
flow tendency

خوش‌جریانی

میزان سهولت شارش یک مذاب
به‌دلیل گران‌روی آن

corrosion

خوردگی

واکنش شیمیایی یا برق‌شیمیایی بین
فلز و محیط که به زوال فلز و خواص
آن منجر می‌شود

د

دررفتگی طوقه

bead unseating

خارج شدن طوقه از محل خود

درشت‌شارش‌شناسی

← شارش‌شناسی

دوپوست‌شدگی

tread separation, tread lift

جدا شدن رویه از منجید در نتیجه از بین رفتن چسبندگی این دو به یکدیگر
بر اثر اضافه بار یا گرمایش خمشی
ناشی از کم‌بادی تایر

دستگاه برش cutter

ماشین یا ابزار یا دستگاهی که برای بریدن یا برش دادن به کار می‌رود
مت. تیغه

دوپوست‌شدگی روکش

retread separation

جدا شدن روکش از منجید
تراش‌خورده

دنده lug

هریک از آج‌های پهنی که در عرض رویه قرار دارند و توان کشانش تایر را افزایش می‌دهند

دوشکستی جریانی

← دوشکستی شارشی

relugging,
band lugging

دنده‌گذاری

تایر به منظور بازدید و معمولاً تعمیر
آن

boiler دیگ بخار

مخزن بسته تحت فشاری که در آن
آب یا مایعات دیگر برای تولید مایع
داغ یا بخار حرارت داده می‌شوند

sidewall دیواره

بخشی از تایر که بین شانه و طوقه
قرار دارد

دوشکستی شارشی

flow birefringence,
streaming Birefringence

تفاوت ضریب شکست‌های یک محلول
یا مذاب بسپاری در جهت شارش و
در جهت عمود بر آن
مت. دوشکستی جریانی

tyre spreader دهانه‌بازکن

افزاره‌ای برای باز کردن طوقه‌های



tire cord

رَسَن تَایر

رَسَنی از مواد بسپاری یا معدنی که از تاباندن تکرشته‌ها یا تکرشته‌های چندلا یا نخ شکل می‌گیرد و برای تقویت تایر به کار می‌رود

zero toe

راست‌پنجگی

وضعیتی که در آن دو تایر نصب‌شده بر یک محور کاملاً با یکدیگر موازی هستند

camber thrust

رانش کجی

نیروی جانبی ناشی از غلتش تایر در حالت کجی، که به نیروی کناری تولیدشده از تایر افزوده یا از آن کاسته می‌شود
م. نیروی رانش کجی

steel cord

رَسَن فولادی

سازه‌ای که از به‌هم‌تاباندن رشته‌های فولادی به دور یکدیگر ساخته شده باشد

filament

رشته

سیم نازکی از تنگستن یا کربن یا مانند آنها که پس از گرم شدن به وسیله جریان الکتریسته، نور تابش می‌کند

load range

رده بار

میزان باری که تایر برای کاربرد مشخص و در فشار باد معین می‌تواند تحمل کند و آن را با حروف الفبای لاتین مشخص می‌کنند

filamentation

رشته‌پارگی

پاره شدن رشته‌ها در هنگام ریسندگی، معمولاً بر اثر خرابی مکانیکی

cord

رَسَن

رشته‌منسوجی که از تاباندن یا بافتن یا چندلاکُنی تکرشته‌ها به دست می‌آید

رفتگی شدید excessive wear

رفتگی تا حد نمایان شدن رسن یا سیم
تایر

رفتگی کاسه‌ای cupping wear, scallop wear

گودافتادگی موضعی و سرتاسری
ناشی از رفتگی سریع دور تایر

رفتگی گردشی cornering wear

نوعی رفتگی رویه ناشی از دور زدن
با سرعت‌های زیاد

رفتگی گله‌به‌گله erratic depression wear

رفتگی کاتوره‌ای و نامنظم بر روی
محیط تایر

رفتگی مرکزی centre tread wear

رفتگی ناشی از پُربادی تایر که در آن
خط مرکزی رویه، به دلیل تحمل
فشار بیشتر، رفتگی بیشتری پیدا
می‌کند

رفتگی نوار rib depression, punch wear

نوعی رفتگی در سراسر محیط تایر که
در نتیجه آن آج‌نوارهای مرکزی با
آج‌نوارهای مجاور اختلاف سطح پیدا
می‌کنند

رفتگی wear

جدا شدن ذرات سطحی اجسام از بدنه
اصلی بر اثر برخورد ذرات جامد یا
مواد دیگر با آنها

رفتگی اریب diagonal wear

نوعی رفتگی موضعی که به‌صورت
اریب در طول رویه ایجاد و اغلب در
محیط تایر تکرار می‌شود

رفتگی خستگی fatigue wear

رفتگی سطح یک قطعه بر اثر شکست
حاصل از خستگی ماده

رفتگی دوشانه shoulder wear-both sides,

under inflation
رفتگی ناشی از کم بودن باد تایر که
موجب می‌شود فشار بار خودرو بر
شانه‌های بیرونی وارد شود

رفتگی زودرس overall fast wear

رفتگی زودهنگام و یکنواخت در
سرتاسر تایر

رفتگی سایشی abrasive wear

تخریب مکانیکی سطح ماده بر اثر
حرکت نسبی آن در تماس با سطحی
دیگر یا در تماس با ذرات جامد

رفتگی سرشانه shoulder step, chamfer wear

رفتگی یکنواخت لبه‌های شانه

thixotropy	روان‌وردی	رفتگی یک‌شانه	shoulder wear-one side, mechanical wear, one side wear
	خاصیتی در آن دسته از سیالات که در شرایط عادی گران‌رو هستند، ولی در طی زمان، با هم زدن روان‌تر می‌شوند		نوعی رفتگی ناشی از نامیزانی جلوبندی یا فرسودگی قطعات یا عوامل دیگر که به رفتگی یک‌طرفه در قسمت شانه منجر می‌شود
ribbon	روبان	رفتگی یک‌طرفه	uneven wear
	نواری معمولاً تار-پودی از نخ‌های رشته‌ای با طرح‌های متنوع که برای تزئین به کار می‌رود		نوعی رفتگی رویه که در یک سمت بیشتر باشد
envelope	روپوش	رنگ‌آمیزه	tint
	پوشش لاستیکی نازکی که تایل روکشی را در بر می‌گیرد و لبه‌های آن بین رینگ پخت (curing rim) و متجید قرار داده می‌شود		رنگ حاصل از اختلاط رنگ‌دانه یا پوش‌رنگ سفید با رنگ‌دانه‌ها یا پوش‌رنگ‌های غیرسفید؛ رنگ به‌دست آمده روشن‌تر و ناخالص‌تر از رنگ اولیه است
top cap, tread cap, toe cap	روساخت رویه	م. سفیدآمیخت	
	لایه فوقانی و نقش‌دار رویه		
bead butter, bead lube	روغن طوقه	رنگ‌دانه	pigment
	لیزانه (lubricant) لازم برای جلوگیری از صدمه دیدن تایلر و جاناندازی آسان آن بر روی رینگ (rim)		ماده‌ای به شکل ذرات ریز که در پیوستار (medium) حل نمی‌شود و به دلیل داشتن ویژگی‌های نوری و حفاظتی و یا تزئینی از آن استفاده می‌کنند
retreadability	روکش‌پذیری	روان‌شوندگی برشی	shear thinning
	قابلیت متجید تایلر برای روکش شدن و ارائه عملکرد مناسب		در سیالات غیریوتنی، پدیده کاهش گران‌روی سیال تحت تنش برشی

روکش پیش‌پخته

precured tread, retread

رویه لاستیکی مخصوص روکش‌کاری
که قبلاً قالب‌گیری و پخته شده است

تراشیدن رویه تایر و شانه آن تا
بالای دیواره و تعویض آن با رویه
جدید

روکش‌کاری طوقه‌تا‌طوقه

bead-to-bead retreading

ساب‌زنی کامل رویه و دیواره و قرار
دادن رویه و دیواره جدید

retreading,
recapping

قرار دادن رویه جدید بر روی تایری
که رویه آن از بین رفته است، اما
متجید سالمی دارد

روکش‌کاری گرمmould cure retreading,
hot cap, mould cure,
hot retreading, remoulding

روشی که در آن رویه خام را بر
متجید ساب‌خورده می‌کشند و سپس
در قالب گرم می‌پزند

روکش‌کاری سادهtop retreading,
top treading, top capping

نوعی روکش‌کاری که در آن تنها
بخشی از رویه که با جاده در تماس
است ساب زده می‌شود و رویه جدید
بر آن کشیده می‌شود

tread¹ **رویه**

بیرونی‌ترین بخش تایر، شامل آج و
بستر آن، که با سطح جاده تماس دارد

precure,
precure retreading,
cold cap,
precured tread retreading

نوعی روکش‌کاری که در آن رویه
پیش‌پخته را بر روی متجید
ساب‌خورده و پوشانده شده با لایه
نازکی از آمیزه کائوچوی طبیعی قرار
می‌دهند و برای عملیات تکمیلی در
دیگ بخار می‌پزند

orbitread machine **رویه‌پیچ**

دستگاهی مرکب از یک رانشگر
(extruder) و پیچنده که نوار لاستیکی
خام را به دور متجید می‌پیچاند تا
رویه کاملی تشکیل شود

camelback **رویه خام**

نوار لاستیکی خام با مقاطع
ازپیش تعیین شده و طول متغیر، برای
روکش‌کاری تایر

روکش‌کاری شانه‌تاشانهfull retreading,
full treading, full cap

ناهمواری‌های جاده، میزان پوش‌دهی
ناهمواری جاده

رهواری ride comfort, ride,
comfort, rideability

ریژه die
مجموعه‌ای که در انتهای رانشگر
(extruder) برای شکل‌دهی مذاب
بسپاری نصب می‌شود

میزان راحتی سرنشین براساس این
عوامل: شدت ضربه در هنگام عبور از
روی پل‌ها یا خطوط راه‌آهن؛ میزان
جهش و میرانندگی تایلر بر روی

ز

نوعی زاپاس موقت که تایر آن کوچکتر و باریکتر از تایر استاندارد خودرو است

زاپاس موقت, temporary spare,
temporary spare tyre,
temporary use spare tyre,
full-size temporary spare

زاپاسی که فقط در شرایط اضطراری، به صورت موقت و با سرعت کمتر از هشتاد کیلومتر در ساعت، از آن استفاده می شود و حداکثر مسافتی که می توان با آن پیمود هشتاد کیلومتر است

زاویه پیرو, caster angle,
caster

زاویه بین خط قائم محور چرخ و محوری که به چرخ فرمان می دهد

زاویه پیرو مثبت
positive caster

زاپاس spare tyre,
conventional full-sized
spare

چرخ اضافی در خودرو که در صورت لزوم با چرخ پنجرشده تعویض می شود

زاپاس باریک
lightweight spare

نوعی زاپاس موقت که تایر آن قطری برابر با قطر تایر چرخ های دیگر خودرو دارد، اما باریکتر است

زاپاس جمع شو, folding spare,
folding temporary spare,
collapsible spare tyre

نوعی زاپاس موقت که پیش از استفاده باید تایر آن باد شود

زاپاسک compact spare
compact temporary spare,
tempa spare, minispare

پخت تا هنگامی که خواص معینی در آن پدید آید

نوعی زاویه پیرو که در آن محور یا سگدست در بالای چرخ به سمت عقب متمایل است

زمان درنگش retardation time

زمانی که پاسخ مستقیم ماده گرانروکشسان را به تنش ثابت وارد شده نشان می‌دهد

زاویه پیرو منفی

negative caster

نوعی زاویه پیرو که در آن محور یا سگدست در بالای چرخ به سمت جلو متمایل است

زنگ‌زدگی فوری flash rusting

ایجاد شدن فیلم (film) بسیار نازکی از زنگ در بازه زمانی بسیار کوتاه، از چند دقیقه تا چند ساعت، بر سطح فلز در محیط مرطوب

زاویه کجی camber angle

زاویه انحراف به درون یا بیرون چرخ در بخش فوقانی، نسبت به محور قائم آن، که برحسب درجه بیان می‌شود

زیربریدگی آج‌نوار

rib undercutting

ترک‌خوردگی شیار که به زیر نوار رویه پیش رفته باشد

زیرشدگی شانه

shoulder scrubbing,
shoulder scuffing

ساییدگی بالای دیواره شانه، نزدیک به لبه رویه، که ممکن است با ترک‌هایی در ناحیه شانه رویه همراه باشد

زیررویه undertread

بخشی از آمیزه لاستیکی که بین کف شیارهای آج و بالای لایه‌های تسمه قرار می‌گیرد

زبره grit

ذرات مواد سخت از جمله کوارتز و چدن و فولاد سخت‌شده که شکل هندسی ندارند و برای تمیزکاری سطوح قطعات به روش زبره‌پاشی به کار می‌روند

زیرساخت رویه subtread, tread base

یکی از دو لایه رویه که به متجید نزدیک‌تر و آمیزه آن نرم‌تر از آمیزه روساخت رویه است

زمان پخت cure time,

curing time

فاصله زمانی میان قرارگیری یک بسپار گرماسخت در معرض شرایط

زیرشانه buttress

بخش پایین شانه که ناحیه شانه را تقویت می‌کند

زیست‌بسیار biopolymer

بسیاری که در گیاهان و در بدن
حیوانات تولید می‌شود، مانند سلولز،
کائوچوی طبیعی و چرم

س

رایج بود و در آن تنها پهنای
سطح مقطع تایر و قطر رینگ (rim)
برحسب اینج بیان می شد

سامانه اندازه گذاری متری
metric tyre size system,
metric sizing system

نوعی سامانه اندازه گذاری (sizing)
تایر که در آن پهنای سطح مقطع
برحسب میلی متر و قطر رینگ (rim)
برحسب اینج بیان می شود و علاوه بر
آن، نسبت منظری و طبقه بندی سرعت
و ساختار تایر نیز مشخص و بر
دیواره تایر درج می شود

سامانه ولکانش
vulcanising system

مجموعه ای از عوامل و مواد پخت
مورد نیاز، مانند شتاب دهنده ها،
فعال کننده ها و کندکننده ها برای تولید
محصول ولکانیده ای با خواص معین

ساب زنی buffing

۱. برداشتن باقی مانده رویه لاستیکی
تایر تاحدی که به منجید برسد و بتوان
تایر را روکش کاری کرد ۲. تسطیح یا
پرداخت یا برداشت لایه هایی از سطح
که معمولاً با چرخ ساب زنی انجام
می شود

سامانه اندازه گذاری حرفی - عددی
alphanumeric sizing system

نوعی سامانه اندازه گذاری (sizing)
تایر، بر مبنای میزان بار قابل تحمل، که
در دهه هفتاد میلادی ایجاد شد و در
آن ظرفیت حمل بار و نسبت منظری و
ساختار تایر و قطر رینگ (rim)
برحسب اینج بیان می شود

سامانه اندازه گذاری عددی
numeric sizing system

نوعی سامانه اندازه گذاری (sizing)
تایر که تا اواخر دهه شصت میلادی

beveled splice	سروصل اریب	hardening	سخت‌کاری
نوعی سروصل که در آن دو سر اجزای تایر فارسی بُر شده است و زاویه دارد		سخت کردن فولاد کربن از طریق سرد کردن ناگهانی آن در محدوده دمای بحرانی	
tread splice	سروصل رویه	سخت‌کننده ← عامل پخت ^۱	
اتصال دو سر رویه			
butt splice	سروصل صاف	balance weight	سرب
نوعی سروصل که در آن دو سر اجزای تایر با زاویه نود درجه بریده شده است		وزنه‌ای معمولاً سربی که برای میزان کردن تایر بر لبه رینگ (rim flange) چرخ اضافه می‌شود	
		سرعت آب‌پیمایش	
سطح آب‌بندی طوقه		hydroplaning speed	
bead sealing area		سرعت اولیه‌ای که در آن تایر تحت شرایط خاصی شروع به آب‌پیمایش پویا می‌کند	
سطح قاعده طوقه یا همان پنجه (toe) و پاشنه طوقه که بر روی رینگ (rim) می‌نشیند و در تایرهای بی‌تویی سبب آب‌بندی و جلوگیری از نشست هوا می‌شود		سرعت گردش	
footprint area	سطح جاپا	cornering speed	
مساحت جاپا برحسب واحد سطح		سرعت خودرو در هنگام پیمودن پیچ مسیر	
stiffness	سفتی	سرعت مماسی	
کمیتی که توصیف‌کننده واکنش جسم جامد به تغییر شکل مکانیکی است		tangential velocity	
		سرعت خطی لحظه‌ای جسمی که در مسیری خمیده حرکت می‌کند	
	سفتی گردشی	سروصل	
cornering stiffness		splice	
میزان مطلق شیب نمودار نیروی جانبی در زاویه انحراف (slip angle) صفر		اتصال حاصل از وصل شدن دو سر هریک از اجزای تایر، در هنگام ساخت تایر	

سفیدآمیخت ← رنگ آمیزه

سمت قوس curve hand

انحراف راست‌گرد یا چپ‌گرد یک قوس از مسیر مستقیم از سمت مبدأ به مقصد

سوانگار chromatograph

سنج‌افزاری ویژه سوانگاری

سوانگاری chromatography

روشی برای جداسازی اجزای یک مخلوط با عبور دادن یک فاز متحرک از روی یک فاز ساکن

سوانگاشت chromatogram

نمودار شویش اجزای یک مخلوط برحسب زمان یا حجم

سیال fluid²

حالت غیرجامد ماده که در آن اتم‌ها یا مولکول‌ها آزادانه از روی یکدیگر عبور می‌کنند
مت. شماره^۲

سیال توانی power law fluid

سیالی که از معادله توانی تبعیت می‌کند

سیال کامل‌گران‌رو

purely viscous fluid,
inelastic fluid

سیالی که هیچ‌نوع رفتار کشسان بروز ندهد، به‌طوری‌که اگر در یک شکل

ثابت نگاه داشته شود، تنش به‌سرعت صفر یا در تمام حجم به‌صورت یکنواخت توزیع شود

سیال گران‌روکشسان
viscoelastic fluid

سیالی که رفتار غالب آن شارش گران‌رو است، ولی پس از برداشتن تنش، تا حدودی بازگشت کشسان از دگرشکلی نیز از خود نشان می‌دهد

سیال گران‌شونده برشی
shear thickening fluid,
dilatant fluid, dilatant²

سیالی دارای ذرات نامنتظم که گران‌روی ظاهری آن بر اثر افزایش آهنگ برش زیاد می‌شود

سیال گران‌ورد
rheopectic fluid

سیالی که گران‌روی ظاهری آن در طول زمان افزایش می‌یابد

سیالیت fluidity¹

قابلیت ماده برای شارش
مت. شارگی

سیلندر cylinder,
cylinder bore

محفظه‌ای استوانه‌ای در درون موتور که پیستون در داخل آن، بر اثر احتراق مخلوط سوخت و هوا، حرکت رفت‌وبرگشت دارد

سیم طوقه bead wire

هریک از سیم‌های فولادی که مغزۀ
طوقه را تشکیل می‌دهند و تنیدگی آنها
مانع بلند شدن طوقه از لبۀ رینگ
(rim flange) می‌شود

ش

لاستیکی و پلاستیکی و در زیر دمای
شارش معمول آنها رخ می‌دهد

شارش‌سنج rheometer
ابزار اندازه‌گیری ویژگی‌های
شارش‌شناختی

شارش‌سنج پُربرش
high shear rate rheometer
شارش‌سنجی که در سرعت‌های
برشی بالا کار می‌کند

شارش‌سنج موی‌لوله‌ای
capillary rheometer,
capillary viscometer
ابزاری برای آزمودن رفتار
شارش‌شناختی بسپارهای مذاب با
وارد کردن نیرو به مذاب در یک
موی‌لوله

شاخص بار load index
شناسه‌ای عددی برای نشان دادن
حداکثر باری که تایر در سرعت معین
و فشار باد حداکثر می‌تواند تحمل کند

شاخص بس‌پراکندگی
← بس‌پراکندگی

شاخص رفتار شارش
flow behaviour index
نوعی شاخص شارش در معادله
قانون توانی

شارش flow
حرکت پیوسته‌ی شاره یا حرکت
شاره‌گونه ماده یا بارهای الکتریکی

شارش سرد cold flow
نوعی شارش گران‌رو ماده جامد در
دمای محیط که معمولاً در مواد

- شارش سنجی** rheometry
اندازه‌گیری تجربی ویژگی‌های
شارش شناختی یک ماده
- شارش شناسی** rheology
علم اندازه‌گیری خواص شارشی و
تغییر شکل ماده
مت. درشت‌شارش شناسی
macrorheology
- شارش شناسی مولکولی**
molecular rheology
شاخه‌ای از شارش شناسی که در آن
ویژگی‌های شارش شناختی، به‌ویژه
گران‌روی، بر پایه معماری مولکولی و
نیروهای مولکولی با استفاده از مبانی
نظری یا شبیه‌سازی مولکولی
پیش‌بینی می‌شود
- شارش فشاری** pressure flow, Poiseuille flow
شارش ناشی از وارد آوردن فشار بر
مایع که در آن، برخلاف شارش غژی
(drag flow)، مرزهای سیال ثابت است
و حرکت نمی‌کند
مت. جریان فشاری
- شارش گران‌رو** viscous flow
جریان شماره‌ای که در آن لایه‌های
مجاور بر اثر گران‌روی نسبت به هم
در حال لغزش‌اند
- شارش مذاب** melt flow
فرایند تغییر شکل برگشت‌ناپذیر توده
مذاب بسپاری، در فشار و دمای بالا،
تا آن حد که مولکول‌های بسپار بر
روی هم بلغزند
مت. جریان مذاب
- شارش نانیوتونی** non-Newtonian fluid flow
شارش شماره‌ای که در آن تنش با
آهنگ تغییر شکل متناسب نیست
- شارش نشستی** leakage flow
جریانی از ماده که از لقی بین پرده
ماردان و استوانک می‌گذرد
مت. جریان نشستی
- شاره^۱** fluid¹
حالت غیرجامد ماده که در آن اتم‌ها و
مولکول‌ها نسبت به یکدیگر آزادانه در
حرکت‌اند
- شاره^۲ ← سیال**
- شاره‌فروشکنی** rheomalaxis, rheodestruction
کاهش جبران‌پذیری گران‌روی در
هنگام برش که درواقع به تغییر دائم
ساختار ماده منجر می‌شود
- شارگی ← سیالیت**

tyre marking, شناسگان تایر
tyre size markings

مجموعه‌ای از اعداد و شناسه‌های
بین‌المللی که برای شناساندن ساختار
تایر، ابعاد و کاربردهای اصلی آن بر
دیواره تایر درج می‌شود

شناسه اندازه تایر
tyre designation,
tyre numbering,
tyre size designation

شناسه‌ای حرفی - عددی بر روی
دیواره تایر که توصیف‌کننده اندازه
تایر شامل پهنا، نسبت منظری، قطر
رینگ (rim)، شاخص بار و شاخص
سرعت تایر است

stone deflector, شن‌گیر
stone shield, stone guard

صفحه‌ای سپرمانند در زیر سپر
جلوی خودرو یا لبه جلوی گلگیر عقب
که برای مقابله با برخورد سنگریزه، و
گل و شن و زباله نصب می‌شود

groove, tread groove شیار
فضای خالی میان دو آج‌نوار مجاور

grooving شیاراندازی
در طراحی تایر، ایجاد شیارهایی با
عمق و زاویه‌های مختلف بر روی
رویه برای بهبود کشانش، ترمزگیری
یا پایداری جانبی

شاره نانوتونی
non-Newtonian fluid

شاره‌ای که تنش برشی در آن با
آهنگ تغییر شکل برشی متناسب
نیست

shoulder شانه
بخشی از تایر که بین رویه و دیواره
قرار دارد

free radius شعاع بی‌بار
شعاع مجموعه تایر و رینگ (rim)،
هنگامی که زیر بار نباشد

شعاع زیر بار ایستا
static loaded radius,
SLR, loaded radius

فاصله خط مرکزی محور چرخ
خودرو ساکن تا سطح جاده، در
حالتی که تایر متناسب با بار مجاز باد
شده باشد

شعاع زیر بار پویا
dynamic loaded radius,
dynamic rolling radius

شعاع تایر در حال چرخش که فاصله
مرکز چرخ تا جاده است و در
وضعیت ایستاده و در حال حرکت فرق
می‌کند

forming شکل‌دهی
فرایندی مانند تزریق رانشگری
(extruding) که در آن قطعات یا مواد
اولیه را به شکل محصول نهایی
درمی‌آورند

ایجاد شیارهای جدید بر رویهٔ تایر،
پس از رسیدن رویهٔ اصلی به حد
رفتگی

sipe, tread sipe شیارک

شکاف کوچک و باریکی که بر روی
آج قطعه ایجاد می‌کنند تا کشانش تایر
بر روی جادهٔ خیس افزایش یابد

step groove شیار پله‌ای

نوعی شیار با طرح پله‌ای که باعث
افزایش قدرت چنگ‌زنی تایر در برف
می‌شود و به دوام رویه کمک می‌کند

regrooving,
tyre siping شیارزنی

ص ، ض

نوسانی که برابر است با نسبت مدول
اتلاف به مدول ذخیره

صداء¹ sound¹
آنچه تحت تأثیر آشفتگی صوتی پدید
آید و با گوش حس شود

ضریب سفتی
stiffness coefficient

نسبت نیرویی که بر سامانه مکانیکی
خطی وارد می‌شود به جابه‌جایی از
وضعیت تعادل همان سامانه

صوت sound²
آشفتگی‌هایی مانند تغییر فشار که
به‌صورت موج در محیطی مادی
منتشر می‌شود

ضریب مقاومت غلتشی
coefficient of rolling
resistance, rolling resistance
coefficient, coefficient of
rolling friction
نسبت نیروی یکنواخت غلتاننده چرخ
به نیروی قائم جاده

ضخامت بیشینه شانه
shoulder gauge
ضخیم‌ترین بخش تایر که در ناحیه
شانه قرار دارد و بر دمای تایر
در حال حرکت تأثیر مستقیم دارد

ضریب منجید casing factor
کسری از کل بار وارد بر تایر که
منجید آن را تحمل می‌کند

ضریب اتلاف loss factor,
loss tangent
تانژانت اختلاف زاویه فازی بین تنش
و کرنش در هنگام وارد آمدن نیروی

ط

در تماس با رینگ (rim)، جلوگیری می‌کند

طوقهٔ تایر ← طوقه

طیف درنگش

retardation time spectrum,
retardation spectrum

توزیع زمان‌های درنگش مادهٔ گران‌روکشسان که می‌تواند با تتواری نشان داده شود که شمار فراوانی فنر و بالشتک روغنی دارد که به‌صورت سری بسته شده‌اند

طیف گران‌روی‌کشسانی

viscoelastic spectrum

طیفی گرمایی- مکانیکی که گسترهٔ دمایی آن شامل دماهای انتقال گران‌روکشسان است

bead طوقه

بخشی از تایر که بر روی رینگ (rim) می‌نشیند و شامل سیم‌های فولادی با استحکام کششی زیاد است که لایه‌هایی لاستیکی دورتادور آنها را می‌پوشاند

tyre bead مت. طوقهٔ تایر

bead expander طوقه‌بازکن

دستگاه مخصوص سوار کردن تایرهای بی‌تویی بر روی رینگ (rim) که مانع خروج باد تایر می‌شود و با آن طوقه‌های تایر را بر روی نشیمن طوقه قرار می‌دهند

chafer طوقه‌پوش

نواری مرکب از لاستیک و رسن بر روی طوقهٔ تایر که در برابر سایش مقاوم است و از آسیب دیدن طوقه‌ها،

ع، غ

عددی به صورت تقسیم گران روی
ویژه بر غلظت محاسبه می شود

tread depth, **عمق شیار**
skid depth

فاصله سطح رویه تا کف شیارها که
بر مبنای $\frac{1}{32}$ اینچ بیان می شود

عملگر تکانه
momentum operator

عملگری هرمیتی (Hermitian operator)
که بر تابع موج ذره اثر می کند و
ویژه مقدار آن تکانه قابل اندازه گیری
ذره را به دست می دهد

roll **غلطک**

بشکه یا استوانه فلزی یا غیرفلزی (در
صنایع متالورژی، عموماً فولادی) که
برای نورد کردن به کار می رود
* مصوب فرهنگستان اول

عامل احیا reclaiming agent

ماده ای که برای افزایش سرعت احیای
لاستیک در حین فرایند به آن اضافه
می شود

عامل پخت^۱ curing agent

ترکیباتی که با رزین های بسپاری
واکنش می دهند تا آنها را سخت کنند
مت. سخت کننده hardener

عامل پخت^۲ vulcanising agent

ماده ای در آمیزه سازی که در لاستیک
اتصال عرضی ایجاد می کند

عدد گران روی viscosity
number, reduced viscosity

میزان افزایش گران روی سیال به ازای
واحد غلظت بسپار حل شده که از نظر

ف

فرایندپذیری processability

قابلیت تبدیل بسپار یا آمیزه‌ای
بسپاری به محصولی با کیفیت و مفید،
در فرایندهای متداول شکل‌دهی

فرایند هم‌دما

isothermal process

فرایندی ترمودینامیکی که در آن دمای
دستگاه ثابت می‌ماند

فرمان‌کشی plysteer

ایرادى در ساخت تایر که موجب
کشیده شدن آن به یک سو می‌شود

فرمان‌گریزی ploughing

از دست رفتن فرمان‌گیری خودرو

فاز phase

بخشی از یک سامانه فیزیکی همگن با
مرزهای مشخص که می‌توان آن را
از لحاظ فیزیکی از بخش‌های دیگر جدا
کرد

فاصله جفت‌چرخ dual spacing

فاصله خط‌های مرکزی جفت‌تایر بر
روی یک جفت‌چرخ خودروی باری

فنیله repair plug

آمیزه‌ای لاستیکی که سوراخ یا کندگی
به‌وجودآمده بر اثر ورود جسم
خارجی به تایر را پر می‌کند

ق

معیاری برای تعیین میزان رنگ‌بخشی
یک واحد از رنگ‌بخش

قُری طوقه bead deformation
فرورفتگی محیطی در ناحیه طوقه

قطر خارجی overall diameter,
outside diameter

قطر تایر بادشده، از سر آج یک سمت
تایر تا سر آج سمت دیگر، بدون اعمال
بار

قوزرفتگی eccentric wear,
out of round wear

رفتگی نایک‌ناخت قابل‌توجه در
ضخامت رویه

قاعده طوقه bead face,
bead ledge, bead sole

بخش‌های تخت ناحیه طوقه، بین پاشنه
(heel) و پنجه (toe)، که بر روی نشیمن
طوقه قرار می‌گیرد

قالب mould

محفظه‌ای که به سیال یا ماده
شکل‌پذیر، شکل دلخواه را می‌دهد

قالپاق hub cap, wheel cover
wheel trim

قطعه‌ای گرد که برای زیبایی چرخ و
پوشاندن پیچ‌های آن بر روی چرخ
نصب می‌شود

قدرت رنگ‌آمیزی tinting strength,
staining power, tint strength

ک

انحراف بخش فوقانی چرخ به سمت
درون، نسبت به محور قائم

کچلی پراکنده
multiple flat spotting wear

رفتگی نقاط مختلف روی سطح رویه
که ناشی از فشار باد و ترمزگیری
نامناسب یا دلایل دیگر است

کچلی ترمزی, brake skid wear,
flat spot wear, flat spot

رفتگی موضع مشخصی از سطح رویه

کُرنش سنج strain gauge
وسیله‌ای که با اندازه‌گیری تغییرات
مقاومت الکتریکی در سیم تحت تنش،
فشار را اندازه می‌گیرد

کُرنش کششی tensile strain
افزایش طول جسم که ناشی از تأثیر
نیروی خارجی است

کاوند probe

افزاره‌ای لوله‌مانند در هواگرد
سوخت‌گیری دارای سامانه
سوخت‌گیری خاص که به قیف
سوخت‌رسانی هواپیمای سوخت‌رسان
متصل می‌شود

کج‌پنجگی toe

اختلاف فاصله بین بخش‌های پیشین و
پسین دو تایر نصب‌شده بر یک محور
مشترک

کجی camber

انحراف چرخ به درون یا بیرون نسبت
به محور قائم آن

کجی مثبت positive camber

انحراف بخش فوقانی چرخ به سمت
بیرون، نسبت به محور قائم

کجی منفی negative camber

نوعی کشامدسنج که به قطعه متصل نیست و به صورت غیرمستقیم، مثلاً با یک پرتو، کشامد نمونه را می‌سنجد

کشانش traction^2

نیروی وارد بر جسم در حال حرکت، که از اصطکاک چسبشی (adhesive friction) جسم و سطح حاصل می‌شود

کشانش خشک dry traction

میزان کشانش یا چنگ‌زنی تایر در جاده خشک

کشانش خیس wet traction

میزان کشانش یا چنگ‌زنی تایر در جاده خیس و توانایی آن در پخش آب برای مقابله با آب‌پیمایش

کشش رشته filament drawing

فرایندی که در طی آن رشته‌ها و توژها (films) بی‌جهت‌یافتگی کمی دارند، کشیده می‌شوند و ساختار فیزیکی‌شان تغییر می‌کند

کلوخیگی agglomeration

۱. تجمع ذرات یا قطرات یا حباب‌ها در یک پراکنه ۲. به هم چسبیدگی دانه‌های ریز که سبب می‌شود به شکل دانه‌های درشت‌تر ظاهر شوند

کرنش مومسان plastic strain

تغییر شکل مومسان در مرحله بالاتر از تنش تسلیم، که به صورت کسری یا درصدی از ابعاد اولیه، پیش از وارد آوردن تنش، بیان می‌شود

کروم‌آبکاری chrome plating

پوشش‌دهی قطعه فلزی با کروم برای بهبود ظاهر و افزایش مقاومت آن در مقابل سایش و خوردگی

کژتابی آج tread squirm

واپیش آج تایر بر اثر تنش‌های غلتشی که به افزایش مقاومت غلتشی و رفتگی تایر منجر می‌شود

کشامد elongation

افزایش جزئی یا نسبی طول قطعات، تحت تأثیر تنش‌های کششی یا انبساط حرارتی
مت. ازدیاد طول

کشامدسنج extensometer

افزاره‌ای برای اندازه‌گیری میزان افزایش طول قطعه در آزمون کشش

کشامدسنج تماسی

contact extensometer

نوعی کشامدسنج که در هنگام آزمون به قطعه متصل است

کشامدسنج غیرتماسی

noncontact extensometer

کم فرمان گیری understeer

وضعیتی که در آن خودرو به فرمان دهی راننده برای گردش پاسخ نمی دهد و در جهت مستقیم حرکت می کند

گی

در اندازه‌گیری‌های پویا، جزء واقعی گران‌روی مختلط که به‌صورت نسبت مدولاتافی (loss modulus) به بسامد زاویه‌ای نشان داده می‌شود
مت. گران‌روی دینامیکی

گران‌روی دینامیکی
← گران‌روی پویا

گران‌روی‌سنج viscometer, viscosimeter
ابزاری برای اندازه‌گیری گران‌روی

گران‌روی‌سنج چرخان rotational viscometer
گران‌روی‌سنجی دارای دو استوانه هم‌محور که استوانه درونی به یک سیم پیچان آویزان است و استوانه بیرونی با سرعت ثابت می‌چرخد

گران‌روی برشی‌بی‌نهایت infinite shear viscosity
مقدار حدی گران‌روی در آهنک برش‌های خیلی زیاد

گران‌روی برش‌صفر zero shear viscosity
مقدار حدی گران‌روی در آهنک برش‌های کم

گران‌روی برشی shear viscosity
خارج قسمت تقسیم تنش برشی بر آهنک برش ظاهری
مت. گران‌روی ظاهری
apparent viscosity

گران‌روی بی‌هنجار
← گران‌روی نانیوتونی

گران‌روی پویا dynamic viscosity

گران‌روی ظاهری

← گران‌روی برشی

نوعی گران‌روی شاره یا سیال که در آن تنش برشی با آهنگ کرنش متناسب نیست

گران‌روی کشسانی

viscoelasticity

خاصیت گران‌روی و کشسانی به‌طور هم‌زمان در ماده که متأثر از زمان و دما و تنش و آهنگ کرنش است

مت. گران‌روی بی‌هنجار

anomalous viscosity

گران‌روی نسبی

relative viscosity

نسبت گران‌روی حرکتی محلول بسپاری به گران‌روی حرکتی حلال خالص

مت. نسبت گران‌روی viscosity ratio

گران‌روی کشسانی خطی

linear viscoelasticity

نوعی گران‌روی کشسانی که در آن بین تنش و کرنش و مشتق زمانی کرنش ارتباط خطی برقرار است

گران‌روی ویژه

specific viscosity

گران‌روی نسبی یک محلول منهای یک که بیانگر افزایش گران‌روی حلال بر اثر حل کردن بسپار با غلظت مشخص است

گران‌روی کشسانی غیرخطی

non-linear viscoelasticity

نوعی گران‌روی کشسانی که در آن بین تنش و کرنش و مشتق زمانی کرنش ارتباط خطی برقرار نیست و نسبت تنش به کرنش به میزان تنش وابسته است

گران‌شوندگی برشی

shear thickening, dilatancy

در سیالات غیرنیوتنی، پدیده افزایش گران‌روی سیال تحت تنش برشی

گران‌روی مختلط

complex viscosity

تابع گران‌روی وابسته به بسامد که در حین نوسان هماهنگ واداشته تنش برشی اندازه‌گیری می‌شود و شامل اجزای واقعی و نیز اجزای موهوم است

rheopexy

گران‌وردی

خاصیتی در آن دسته از سیالات که درطی زمان و در تنش ثابت گران‌روتر می‌شوند

dust

گرد

ذرات جامد خشک و کوچک، به اندازه یک تا صد میکرومتر، که بر اثر

گران‌روی نانیوتونی

non-Newtonian viscosity

فرمان گرفته به حالت طبیعی خود،
موازی با محور طولی خودرو
بازگردد

نیروهای طبیعی مثل باد یا فرایندهای
مکانیکی مانند آسیا کردن، در هوا
معلق و معمولاً بر اثر نیروی گرانش
ته نشین می شود

گشتاور لختی

moment of inertia

مقاومت جسم چرخان در برابر تغییر
حرکت چرخشی

cornering

گردش

قابلیت دور زدن و گذر وسیله نقلیه از
پیچ مسیر

گشتاور لختی اصلی

principal moment of inertia

گشتاور لختی جسم صلب حول محور
اصلی

گرماوزن سنجی

thermogravimetry

روشی تحلیلی بر مبنای اندازه گیری
تغییرات وزن ترکیب یا آمیزه با
افزایش دما

گشتاور مرکزگریزی

centrifugal moment

حاصل ضرب شبه نیروی مرکزگریز
وارد بر جسم و فاصله جسم تا مرکز
چرخش

functional group, گروه عامل
functionality

اتم یا گروهی از اتم ها که به صورت
واحد عمل می کند و جانشین اتم
هیدروژن در مولکول هیدروکربن
می شود و ویژگی های خاصی به این
مولکول می بخشد

گشتاور نیرو torque

گشتاور چرخشی اعمال شده بر جسم
بر اثر نیروی مماسی مؤثر از فاصله ای
از محور چرخش آن

گوۀ تسمه belt edge wedge

belt edge insert,

shoulder belt wedge

نواری لاستیکی که بر لبۀ تسمه
تایرهای شعاعی قرار داده می شود تا
بر دوام آنها بیفزاید

گشتاور خودتنظیمی

self-aligning moment,

self-aligning torque,

aligning torque

عاملی که موجب می شود تایر یا چرخ

ل

band, pocket

لایگان

مجموعه‌ای از چند لایه که بر استوانه‌ای فلزی بر روی هم قرار می‌گیرند و جزء سازندهٔ منجید تایر هستند

ply, tyre ply, carcass ply لایه

مجموعه‌ای از رسن‌های نخی یا فولادی موازی و اندودشده با لاستیک که استخوان‌بندی تایر را می‌سازند

radial ply

لایهٔ شعاعی

لایه یا لایه‌هایی در تایر که رسن‌های آن با زاویهٔ قائم نسبت به طوقه قرار گرفته‌اند

لایهٔ ضدپنچری

puncture protector

نوعی لایهٔ لاستیکی معمولاً نارنجی‌رنگ و مقاوم در برابر نفوذ اشیای نوک‌تیز که در زیر رویه قرار می‌گیرد

لاستیک احیاشده

reclaimed rubber, reclaim

لاستیک ولکانیده‌ای که با روش‌های مکانیکی یا شیمیایی نرم‌شده و بخشی از آن واولکانیده (devulcanised) شده است

مت. بازلاستیک

لاستیک پخت‌شده

← لاستیک ولکانیده

لاستیک ولکانیده

vulcanised rubber,

vulcanisate

محصول ولکانشی که در آن لاستیک در شرایط مشخص به‌صورت شیمیایی با گوگرد و شتاب‌دهنده‌ها واکنش می‌یابد تا دارای خواص فیزیکی مطلوب شود

مت. لاستیک پخت‌شده

در حین ساخت و شکل‌گیری و پخت تایر، جابه‌جا نشود و تغییر شکل پیدا نکند	ply rating, PR معیار سنجش استحکام منجید و توان تحمل بار که با عدد، حرف یا نماد نشان داده می‌شود و الزاماً نشان‌دهنده تعداد لایه‌های رسن‌دار (cord plies) تایر نیست
لقی ماردان screw clearance تفاوت شعاع ماردان و سیلندر (barrel)	لب‌تیزی feather wear نوعی رفتگی که در آن آج‌نوارهای رویه در عرض از یک سمت ساییده و لبه‌های آنها تیز شده باشد
لمیدگی deflection تغییر شکل دیواره و رویه تایر در تماس با جاده	لب‌رفتگی erosion wear, river wear, channel wear رفتگی سرتاسری روی لبه‌های آج‌نوار در شیارهای رویه
لیف fibre ماده خام نساجی که ظرافت و انعطاف‌پذیری مناسبی دارد و نسبت طول به قطر آن زیاد و قطر تقریبی آن ده تا پنجاه میکرومتر است	لفاف تنجشی ← لفاف جمع‌شو لفاف جمع‌شو shrink wrap, shrink film نوعی فیلم پلاستیکی مخصوص بسته‌بندی که چنانچه در درون یک محفظه یا تونل در برابر حرارت قرار گیرد، جمع می‌شود و تنجش ایجادشده سبب می‌شود که مجدداً به ابعاد اولیه بازگردد م. ل. لفاف تنجشی
لیف بازساخته regenerated fibre لیفی که از استخراج مواد طبیعی، مانند سلولوز، از یک ماده و تبدیل آن به رشته پیوسته به دست می‌آید	لیف برگ leaf fibre هرگونه لیفی که از برگ گیاه به دست آید
لیف توساقه core fibre لیفی در قسمت مرکزی ساقه گیاه که دیواره یاخته‌ای نازک دارد	لفاف طوقه bead wrapper نواری از منسوج آغشته به لاستیک که به دور طوقه می‌پیچند تا مغزه طوقه

لیف حاصل از مذاب‌ریسی شیشه (drawing molten-glass) که به‌صورت الیاف خردشده و پیوسته و نمدی تولید می‌شود و عموماً برای تقویت بسیار به کار می‌رود

لیف شیشه‌ی کوتاه

chopped fiberglass,
short fiberglass,
chopped glass,
chopped strand glass fibre

لیفی شیشه‌ای که از برش دادن لیف بلند شیشه (long fiberglass) تولید می‌شود و اندازه‌ای در حدود ۱/۶ میلی‌متر و قطری بین ده تا بیست میکرومتر دارد

لیف معدنی mineral fibre

هرگونه الیاف دارای ساختار غیرآلی و غیرفلزی که منشأ طبیعی داشته باشد

لیفچه fibril

لیف ریز بلوری با قطر پنج تا صد نانومتر که مولکول‌های آن در ساختار گویچه‌ای عمود بر محور رشد قرار دارند و در بسپارها و الیاف، موازی با محور رشد هستند

لیفچه‌ای شدن fibrillation

فرایند تشکیل لیفچه که در طی آن عموماً ساختار لیف‌گونه بسیار ظریفی در لیف یا رشته به وجود می‌آید

لیف روساقه bast fibre

هریک از الیاف ساقه‌ای، مانند کنف و کتان و رامی و چتایی، که از زیر پوست ساقه گیاهان گرفته می‌شود و برای تولید محصولات نساجی و کاغذ و تقویت پلاستیک به کار می‌رود

لیف شیشه glassfibre, fiberglass

م

core	ماه‌یچه	ماده پاک‌سازی purge material
بخشی از قالب که برای شکل دادن به قسمت‌های خالی و داخلی قطعه ریختگی همراه با قالب یا جداگانه ساخته می‌شود		ماده‌ای بسپاری که معمولاً وزن مولکولی یا گرانش زیادی دارد و در دماهای فرایند نسبتاً پایدار است و از آن برای پاک‌سازی استفاده می‌شود
محور اصلی		ماده گرمانرم thermoplastic material
← محور اصلی لختی		ماده‌ای که به‌دفعات با گرمایش نرم و سپس با سرمایش سفت می‌شود
محور اصلی تنش		ماردان screw
principal axis of stress		میله‌ای فولادی که یک شیار مارپیچ در آن تراشیده شده است
محوری عمود بر یکی از سه صفحه متعامد در نقطه‌ای از جسم که در آن تنش برشی وجود ندارد		
محور اصلی لختی		ماشین ساب‌زنی buffer, buffing machine
principal axis of inertia		وسیله‌ای مخصوص برداشتن رویه کهنه‌تایر و آماده‌سازی آن برای روکش کردن
یکی از سه محور در هر جسم صلب که تانسور لختی نسبت به آن قطری است		
مت. محور اصلی principal axis		

- معادله شارش‌شناختی**
rheological equation,
rheological equation of
state, equation of state²,
constitutive equation
- معادله‌ای که در آن میان تنش و کرنش و زمان و برخی متغیرهای دیگر مانند دما رابطه برقرار است
- مغزۀ طوقه**
bead core,
bead bundle
- بخش میانی طوقه، شامل چندین سیم که با آمیزه‌ای لاستیکی پوشیده شده‌اند و به شکل حلقه درآمده‌اند
- مقاومت سایشی**
abrasion resistance
- توانایی ماده برای حفظ ظاهر و ساختار اولیه، هنگامی که در معرض مالش (rubbing) یا کاردک‌زنی (scraping) یا برخورد قرار می‌گیرد
- منجید**
carcass, casing
- استخوان‌بندی یا بخشی از ساختار تایلر، شامل لایه‌هایی که از یک طوقه تا طوقه دیگر کشیده شده‌اند و تسمه‌ها و رویه بر آن قرار می‌گیرند
- منحنی تغییر شکل**
deformation curve
- یکی از نمودارهای ماده که تنش را روی یک محور و کرنش را روی محور دیگر نشان می‌دهد
- مخروط‌سانی**
conicity
- نایک‌نواختی ساختار تایلر که به حرکت مخروط‌وار آن منجر می‌شود
- مدل پوسته‌ای**
shell model
- مدلی برای هسته‌های اتمی که در آن گروه‌های کلثونی مشابه، با رعایت اصل پائولی و قواعد کوانتومی، در ترازهایی با انرژی کمابیش یکسان در نظر گرفته می‌شود
- مزدوج**
conjugated
- ویژگی مولکول‌هایی که در آنها پیوندهای دوگانه یا سه‌گانه به وسیله پیوند یگانه به صورت یک‌درمیان از هم جدا شده باشند
- معادله توانی**
power law equation,
Ostwald-de Waele equation
- معادله‌ای تجربی که رفتار شارشی نانیوتنی را توصیف و آهنگ برش را به تنش مرتبط می‌کند
- معادله شارش**
flow equation
- معادله‌ای برای محاسبه جریان شاره در لوله‌ها یا مجراها که به صورت رابطه میان خواص شاره (چگالی و چسبندگی)، شرایط محیط (دما یا فشار) و شرایط و هندسه لوله و مجرا (قطر و شکل سطح مقطع و میزان همواری سطح داخلی) بیان می‌شود

مکانی که در آن تجهیزات یا قطعه‌ای از تجهیزات، مانند تایر، یا نظریه‌ای آزموده می‌شود

منحنی شارش flow curve, rheogram

منحنی به‌دست‌آمده از رسم تنش برش در برابر آهنگ برش

میدان آزمون مجازی virtual proving ground, VPG

ابزاری تحلیلی که با ارتقای ابزارهای سنتی مهندسی به‌کمک رایانه ایجاد می‌شود و تنها برای تحلیل و طراحی‌های اولیه به کار می‌رود

منحنی نیرو-تغییرشکل

force-deformation curve, load-deformation curve

نمودار رابطه نیرو و تغییرشکل یک ماده تحت شرایط فشار، برش، کرنش یا پیچش

میرایی damping

فرایند خاموشی حرکت نوسانی

منحنی نیرو-کشامد

force-elongation curve

نمودار رابطه نیرو و کشامد یک ماده تحت شرایط کشش

میزان‌سازی balancing, wheel balancing

اصلاح توزیع غیریکنواخت چرم تایر و چرخ با افزودن وزنه‌های سربی

منگنه ← پرس

میزان‌سازی جدا

off-the-car balancing

نوعی میزان‌سازی تایر در وضعیتی که چرخ از خودرو جدا شده است

مهارلایه breaker

منسوجی با پوشش لاستیکی که بین منجید و رویه قرار می‌گیرد و ضمن حفاظت از منجید، رویه را نیز تقویت می‌کند

میزان‌سازی درجا

on-the-car balancing

نوعی میزان‌سازی تایر در وضعیتی که تایر بر خودرو نصب شده است

میان‌لا body ply insert, squeegee, insulation

لایه بسیار نازک لاستیکی که موجب کاهش تمرکز تنش بین لایه‌ها می‌شود

میزانی ایستا static balance

وضعیتی که در آن چرم تایر یا چرخ حول محور چرخش تایر به‌طور برابر توزیع شده باشد

میدان آزمون proving ground, testing ground

tyre balance,
balance

میزانی تایر

وضعیتی که در آن توزیع جرم درون
تایر و چرخ حول محور چرخش تایر
یکنواخت است

dynamic balance میزانی پویا

وضعیتی که در آن جرم تایر
به تساوی بر روی محیط آن و دو
طرف صفحه مرکزی تایر یا چرخ
توزیع شده باشد

ن

imbalance

نامیزانی

توزیع غیریکنواخت جرم در مجموعه
چرخ و تاثیر حول محور چرخش تاثیر

nanotube

نانولوله

فولرن (fullerene) تک بعدی به شکل
استوانه

nanofibre

نانولیف

لیفی که قطر آن کمتر از پانصد
نانومتر است

heteropolymer

ناهمگون بسپار

بسپاری متشکل از چند نوع تکپار

yarn

نخ

محصولی با سطح مقطع بسیار کم که
از تابیدن یک رشته یا کنار هم قرار
گرفتن الیاف با تابیدن یا بدون تابیدن
به دست می آید

undercure

ناپختگی

حالتی از پخت که درجه آن کمتر از
درجه حالت بهینه است و هنگامی
ایجاد می شود که مدت زمان و دمای
پخت کمتر از حد کافی باشد
مت. پخت ناقص

monodispersity

ناپراکندگی

در سامانه های بسپار، همگن بودن
وزن مولکولی یا نداشتن توزیع وزن
مولکولی

monodisperse

ناپراکنده

ویژگی بسپاری که همه مولکول های
آن یک وزن مولکولی دارند

impermeable

ناتراوا

آنچه آب یا شاره دیگر را از خود
عبور ندهد

نظریه مربوط به ارتباط بین تنش و کرنش در ماده‌ای که از خود خاصیت گران‌روی کشسانی نشان می‌دهد

نخ تابینه‌ای
cabled yarn
نخ حاصل از تابیدن رشته‌ها به دور هم در طی یک یا چند فرایند

نقش دنده‌ای
lug shape, lug pattern
نوعی نقش رویه که در آن شیارها ناپیوسته و عمود بر محیط تایر است

نخ رشته‌ای
filament yarn
نخی متشکل از یک یا چند رشته که در تمام طول آن در کنار هم قرار گرفته‌اند

نسبت گران‌روی

← گران‌روی نسبی

نقش دنده‌نواری
rib-lug shape, rib-lug pattern
نوعی نقش رویه که مرکب از نقش نواری و نقش دنده‌ای است

نشانه‌گر حد رفتگی
tread wear indicator, TWI

زائده‌هایی در کف شیارهای رویه در عمق $\frac{1}{32}$ اینچی که در صورت رفتگی آج تا آن عمق، تایر غیرقابل استفاده می‌شود

نقش رویه
tread pattern, tread design, tread²
طرح نظام‌مندی از آج‌ها و شیارها و شیارک‌ها بر رویه تایر

نشانه گل و برف

mud and snow, M&S
نشانه‌ای بر دیواره تایر که مشخص می‌کند تایر در زمستان، در هنگام برف و گل و سرما، کارکرد مطلوبی دارد

نقش قطعه‌ای
block shape, block pattern
نوعی نقش رویه متشکل از تک‌قطعه‌هایی که شیارهای آنها به یکدیگر پیوسته است

نشیمن طوقه
bead seat
ناحیه داخلی رینگ (rim) که تایر بر روی آن قرار می‌گیرد و آب‌بندی هم می‌شود

نقش متقارن
symmetrical tread pattern
نوعی نقش رویه که در آن طرح دو طرف خط مرکزی رویه همسان است

نظریه گران‌روی کشسانی
viscoelastic theory

نقش نامتقارن

asymmetrical tread design,
nonsymmetrical tread
design

نوعی نقش رویه که در آن طرح دو
طرف خط مرکزی رویه ناهمسان است

rib shape, ribs, نقش نواری
rib pattern

نوعی نقش رویه که متشکل از
نوارهای موازی است

نقش یکسویه

directional tread design

نوعی نقش رویه، که برای عملکرد
بهرتر تایر، در جهتی خاص طراحی
شده است

flash point, FP نقطه اشتعال

پایین‌ترین دمایی که در آن بخار
قابل اشتعال با هوا به قدر کافی ایجاد
شود

tape نوار

۱. نسوج بافته شده باریک با عرض
کمتر از بیست سانتی‌متر ۲. نواری از
یک ماده فلزی یا بسپاری که پس از
پیچیده شدن به دور بسته با یک بست
فلزی محکم می‌شود

decorative rib نوار تزئینی

نواری برجسته در پیرامون دیواره
تایر که جنبه زینتی دارد

kerbing rib, نوار محافظ
kerbstone rib

نواری برجسته بر روی بخش بالایی
دیواره تایر برای محافظت از تایر در
صورت برخورد با جدول معبر

noise reduction نوفه‌کاهی

استفاده از مدار الکترونیکی یا ابزار
مکانیکی برای کاهش نوفه شنیداری
در سامانه صوتی

نیروی رانش کجی

← رانش کجی

normal force نیروی عمودی

مؤلفه‌ای از نیروی وارد بر سطح که
بر آن عمود است

cornering force, نیروی گردش
side force

نیرویی که باعث می‌شود خودرو
بتواند پیچ جاده را طی کند؛ جهت این
نیرو مخالف نیروی مرکزگریزی است

نیروی مرکزگرا

centripetal force

نیروی لازم برای نگه داشتن حرکت
جسم بر روی مسیر دایره‌ای

نیروی مرکزگریزی

centrifugal force

نیروی لختی‌ای که در چارچوب‌های
چرخان آن را در جهت گریز از محور
در نظر می‌گیرند و اندازه‌اش با فاصله
از محور نسبت عکس دارد

و

calibrated **واسنجیده**

ابزاردقیقی که مدرج شده و دقت
سنجش آن تعیین شده باشد

devulcanisation **واولکانش**

فرایندی که در آن خرده لاستیک‌ها
تحت فشار یا گرما یا تأثیر مواد
نرم‌کننده قرار می‌گیرند تا آمیزه‌ای
لاستیکی با خواص مومسان اولیه به
دست آید

relaxation **واهلش**

بازگشت سامانه به حالت تعادل پس
از آنکه دستخوش تغییر ناگهانی یا اثر
بیرونی شود

stress relaxation, **واهلش تنش**

stress relieving, stress decay
کاهش تنش پس از وارد آمدن یک
کرنش ثابت در مدت‌زمان معین

noise control **واپایش نوفه**

فرایندی که نوفه را در محل تولید یا
دریافت آن به سطح قابل‌قبول
می‌رساند

resilience **واجهندگی**

برگشت‌پذیری جسم تغییر شکل یافته به
شکل و اندازه اولیه
متن. واجهندگی کشسان
elastic resilience

واجهندگی کشسان

← واجهندگی

calibration **واسنجی**

مدرج کردن و سنجش دقت ابزاردقیق

calibrate **واسنجیدن**

تنظیم دقت یک وسیله اندازه‌گیری
از طریق مقایسه با دستگاه‌های
استاندارد

وصله‌ای که با مواد شیمیایی و در دمای محیط پخت می‌شود

وصله گرم heat cure repair

وصله‌ای که به کمک گرما و فشار می‌چسبد

وصله میزان balance patch

تکه لاستیکی که معمولاً در کارخانه در منجید تایرهای سنگین یا تقریباً سنگین می‌چسبانند تا تایر میزان شود

ولکانش vulcanisation

واکنشی شیمیایی که معمولاً با کمک گوگرد یا مواد دیگر موجب ایجاد اتصالات عرضی بین زنجیرهای لاستیک یا سایر بسپارها می‌شود، به صورتی که مومسانی و چسبندگی سطحی کاهش و هم‌زمان با آن، استحکام کششی افزایش می‌یابد
مت. پخت^۱ curing^۲

ولکانش پویا dynamic vulcanisation

فرآیند ولکانش بسپار لاستیکی در هنگام اختلاط آن با پلاستیک مذاب

ویژگی‌های شارش‌شناختی rheological properties

مجموعه‌ای از مشخصه‌های شارشی مواد سیالات مانند گران‌روی و گران‌روی ذاتی و تنش تسلیم و غیره

ورآمدگی peeling

جدا شدن خودبه‌خود رنگ یا پوشش فلزی از سطح زیرلایه یا سطح فلز به صورت ورقه‌ای یا نواری

وصله patch, repair unit

تکه‌ای منسوج یا لاستیک که برای رفع عیب تایر و حفظ یکدستی سطح بر روی تایر یا تویی می‌چسبانند

وصله آستری innerliner repair material

ماده‌ای خاص تعمیر آستری‌های معیوب

وصله پستانکی patch and plug, combination repair unit

نوعی وصله متشکل از یک قتیله پخت‌شده و یک وصله منجیددار برای پر کردن آسیب‌دیدگی تایر و تقویت آن

مت. وصله دوتکه

multi-piece repair

وصله دوتکه ← وصله پستانکی

وصله زنی patching

یکی از روش‌های تعمیر تایر که در آن وصله لاستیکی را بر روی تویی سوراخ‌شده می‌چسبانند

وصله سرد chemical cure

repair, cold cure repair

ه، ی

isomerization

همپارش

فرایندی که موجب شود یک ترکیب به
همپار آن ترکیب تغییر یابد

handling

هدایت‌پذیری

سهولت واپایی و هدایت وسیله نقلیه
بدون لغزش یا سُر خوردن، به‌ویژه در
مسیرهای مارپیچ و منحنی

comonomer

هم‌تکپار

هریک از تکپارهای تشکیل‌دهنده
هم‌بسپار

copolymer,
bipolymer

هم‌بسپار

بسپار ساخته‌شده از دو یا چند تکپار
گوناگون

isotrope

همسان‌گرد

مربوط به همسان‌گردی

copolymerization

هم‌بسپارش

به هم پیوستن دو یا چند تکپار
گوناگون برای تولید هم‌بسپار

isotropy

همسان‌گردی

همسانی خواص فیزیکی محیط در
تمام راستاها

isomer

همپار

چند جسم شیمیایی که ترکیب‌درصد و
وزن مولکولی یکسان داشته باشند، اما
ساختار آنها متفاوت باشد

neutral steer

هم‌فرمان‌گیری

هماهنگی زاویه انحراف چرخ‌های جلو
و عقب خودرو در هنگام گردش

هم‌پخت ← هم‌ولکانش

هوآخور جفت‌تایر tyre clearance حداقل فاصله لازم بین دیواره‌های دو تایر کنار هم بر جفت‌چرخ خودروهای باری	همگون‌بَسپار homopolymer بَسپاری متشکل از یک نوع تکپار
یکنواختی تایر tyre uniformity, TU, uniformity یکنواختی توزیع نیروهای جانبی و شعاعی در تایر در حال چرخش	همگون‌بَسپارش homopolymerization فرایندی بسپارشی که در آن تنها از یک نوع تکپار استفاده شود
	هم‌ولکانش co-vulcanisation تشکیل شبکه‌ای واحد بر اثر ایجاد شدن اتصالات عرضی بین زنجیرهای هر دو بسپار
	مت. هم‌پخت co-curing



کتابخانه ملی ہند

virtual proving ground

abbr. VPG میدان آزمون مجازی

viscoelastic fluid

سیال گران‌روکشسان

viscoelasticity

گران‌روی‌کشسانی

viscoelastic spectrum

طیف گران‌روی‌کشسانی

viscoelastic theory

نظریه گران‌روی‌کشسانی

viscometer

گران‌روی‌سنج

syn. viscosimeter

viscosimeter → viscometer

viscosity number

عدد گران‌روی

syn. reduced viscosity

viscous dissipation function

تابع اتلاف گران‌روی

viscous flow

شارش گران‌رو

viscous hydroplaning

آب‌پیمایش گران‌رو

volatile organic compounds

ترکیبات آلی فرار

VOCs

تاف

VPG → virtual proving ground

vulcanisate/ vulcanizate

→ vulcanised rubber

vulcanisation/ vulcanization

ولکانش

vulcanised rubber

لاستیک ولکانیده،

لاستیک پخت‌شده

syn. vulcanisate

vulcanising agent

عامل پخت^۲

vulcanising system

سامانه ولکانش

W

warp

تار

syn. chain

wear

رفتگی

weather checking

ترک‌سارش جوی

weft

پود

syn. filling, woof, shute, shoot

wet traction

کشانش خیس

wheel balancing → balancing

wheel cover → hub cap

wheel trim → hub cap

whitewall tyre

تایر دورسفید

wide-base tyre

تایر پاپهن

winter tyre

تایر زمستانی

woof → weft

worn tyre

تایر فرسوده

X

XL → extra load

Y

yarn

نخ

Z

zero shear viscosity

گران‌روی برش‌صفر

zero toe

راست‌پنجگی

tread wear indicator

abbr. TWI نشانگر حد رفتگی

truck tyre تایر باری

TU → tyre uniformity

tube تویی

syn. inner tube

tubeless tyre تایر بی‌تویی

tube-type → tube-type tyre

tube-type tyre تایر باتویی

syn. tube-type

turn up بالاگرد

syn. ply turnup

tweel پرّه‌چرخ

TWI → tread wear indicator

tyre/ tire تایر

tyre balance میزانی تایر

syn. balance

tyre bead طوقه تایر

tyre clearance هواخور جفت‌تایر

tyre designation شناسه اندازه تایر

syn. tyre numbering,

tyre size designation

tyre marking شناسگان تایر

syn. tyre size markings

tyre numbering

→ tyre designation

tyre ply → ply

tyre puncture پنچری

syn. puncture

tyre rotation جابه‌جایی تایر

tyre siping → regrooving

tyre size designation

→ tyre designation

tyre size markings

→ tyre marking

tyre spreader دهانه‌بازکن

tyre uniformity یکنواختی تایر

abbr. TU

syn. uniformity

U

ultimate strength استحکام نهایی

ultimate tensile strength

استحکام کششی نهایی

ultra-high-performance tyre

→ high-performance tyre

undercure ناپختگی، پخت ناقص

under inflation

→ shoulder wear-both sides

understeer کم‌فرمان‌گیری

undertread زیررویه

uneven wear رفتگی یک‌طرفه

uniaxial stress تنش تک‌محوری

uniformity → tyre uniformity

V

velocity gradient → shear rate

vibration ارتعاش

testing ground		top capping → top retreading	
→ proving ground		top retreading	روکش کاری ساده
thermogravimetry	گرماوزن سنجی	syn. top treading, top capping	
thermoplastic material		top treading → top retreading	
	ماده گرمانرم	torque	گشتاور نیرو
thermosetting polymer		tow → strand	
	بسیار گرماسخت	traction ¹ → grip	
thixotropy	روان وردی	traction ²	کشانش
thump	تاپ تاپ	tread ¹	رویه
tint	رنگ آمیزه، سفید آمیخت	tread ² → tread pattern	
tinting strength	قدرت رنگ آمیزی	tread bar → tread rib	
	syn. staining power,	tread base → subtread	
tint strength	tint strength	tread block	آج قطعه
→ tinting strength		tread cap → top cap	
tire → tyre		tread depth	عمق شیار
tire cord	رَسَن تَایر	syn. skid depth	
toe	کج پنجگی	tread design → tread pattern	
toe cap → top cap		tread element	آج
toe change	تغییر کج پنجگی	tread groove → groove	
toe in	پنجه بستگی	tread lift → tread separation	
toe out	پنجه بازی	tread pattern	نقش رویه
		syn. tread design, tread ²	
toe out during turns		tread rib	آج نوار
→ toe-out-turns		syn. rib, tread bar	
toe-out-turns	پنجه بازی گردشی	tread separation	دوپوست شدگی
	syn. Ackerman angle,	syn. tread lift	
toe out during turns		tread sipe → sipe	
top cap	روساخت رویه	tread splice	سروصل رویه
	syn. tread cap, toe cap	tread squirm	کزتابی آج

steel belt	تسمه سیمی	suspension polymerization	بَسپارش تعلیقی
steel cord	رَسَن فولادی	SW → section width	
step groove	شیار پله‌ای	symmetrical tread pattern	نقش متقارن
stiffness	سفتی	syndiotactic polymer	بَسپار دوسو آرایش
stiffness coefficient	ضریب سفتی		
stiffness constant	ثابت سفتی		
stone deflector	شن‌گیر		
syn. stone shield, stone guard			
stone guard → stone deflector			
stone shield → stone deflector			
strain energy	انرژی کُرنش	tacticity	آرایش‌مندی
strain gauge	کُرنش‌سنج	tactic polymer	بَسپار آرایش‌مند
strain tensor	تانسور کُرنش	tangential velocity	سرعت مماسی
strand	تانه	tape	نوار ^۲
syn. tow		tempa spare → compact spare	
streaming Birefringence		temporary spare	زاپاس موقت
→ flow birefringence		syn. temporary spare tyre,	
stress decay → stress relaxation		temporary use spare tyre,	
stress relaxation	واهلش تنش	full-size temporary spare	
syn. stress relieving, stress		temporary spare tyre	
decay		→ temporary spare	
stress relieving		temporary use spare tyre	
→ stress relaxation		→ temporary spare	
subtread	زیرساخت رویه	tenside → surfactant	
syn. tread base		tensile strain	کُرنش کششی
summer tyre	تایر تابستانی	tensile strength	استحکام کششی
surface repair → spot repair		tensile stress	تنش کششی
suspension ¹	تعلیق	tensiometer/tensometer	
suspension ²	تعلیق‌ه		تنش‌سنج

shoulder separation

جدایی لایه‌های شانه

shoulder step

رفتگی سرشانه

syn. chamfer wear

shoulder wear-both sides

رفتگی دوشانه

syn. under inflation

shoulder wear-one side

رفتگی یک‌شانه

syn. mechanical wear,

one side wear

shrink(age)

جمع‌شدگی، تنجش

shrinkage stress

تنش جمع‌شدگی،

تنش تنجش

shrink film → shrink warp(ing)

shrink wrap(ing)/shrinkwrap

لفاف جمع‌شو، لفاف تنجشی

syn. shrink film

shute → weft

side force → cornering force

sidewall

دیواره

sidewall separation

جدایی دیواره

sipe

شیارک

syn. tread sipe

skid depth → tread depth

SL → standard load

slick tyre

تایر صاف

SLR → static loaded radius

snow tyre

تایر گل‌برفی

solid → solid tyre

solid tyre

تایر توپر

syn. solid, nonpneumatic tyre,

NPT

sound¹

صدا

sound²

صوت

spare tyre

زاپاس

syn. conventional full-sized

spare

specific viscosity

گران‌روی ویژه

spiral flow test

آزمون شارش حلزونی

splice

سروصل

spot repair

تعمیر سطحی

syn. surface repair

squeegee → body ply insert

stability

پایداری

stabilization

پایدارسازی

stable

پایدار

staining power

→ tinting strength

standard load

تایر بارمعارف

abbr. SL

syn. standard load tyre

standard load tyre

→ standard load

static balance

میزانی ایستا

static loaded radius

abbr. SLR

شعاع زیر بار ایستا

syn. loaded radius

rotational viscometer

گران‌روی سنج چرخان

rotor

چرخانه

rubber reclamation احیای لاستیک

syn. reclamation, reclaiming

run-flat → run-flat tyre

run-flat tyre

تایر پنچررو

syn. run-flat

S

scallop wear → cupping wear

screw

ماردان

screw clearance

لقی ماردان

second grade tyre

→ blemish tyre

section height

ارتفاع مقطع

abbr. SH

section repair

تعمیر عمقی

section width

پهنای مقطع

abbr. SW

self-aligning moment

گشتاور خودتنظیمی

syn. self-aligning torque,

aligning torque

self-aligning torque

→ self-aligning moment

self curing

خودپزش

self vulcanisation

خودولکانش

SH → section height

shear banding → shear yielding

shear rate

آهنگ برش

syn. velocity gradient

shear-strain rate آهنگ کرنش برشی

shear thickening

گران‌شوندگی برشی

syn. dilatancy

shear thickening fluid

سیال گران‌شونده برشی

syn. dilatant fluid, dilatant²

shear thinning روان‌شوندگی برشی

shear viscosity

گران‌روی برشی

shear yielding

تسلیم برشی

syn. shear banding

shell model

مدل پوسته‌ای

shoot → weft

short fibre composite

چندسازه الیاف کوتاه

syn. chopped fibre composite

shoulder

شانه

shoulder belt wedge

→ belt edge wedge

shoulder block

آج قطعه شانه

shoulder gauge ضخامت بیشینه شانه

shoulder scrubbing زبرشدگی شانه

syn. shoulder scuffing

shoulder scuffing

→ shoulder scrubbing

replacement tyre	تایر جایگزین	rheometer	شارش‌سنج
resilience	واجهندگی	rheometry	شارش‌سنجی
retardation spectrum		rheoplectic fluid	سیال گران‌ورد
→ retardation time spectrum		rheopexy/ rheopcty	گران‌وردی
retardation time	زمان درنگش	rib → tread rib	
retardation time spectrum		ribbon	روبان
	طیف درنگش	rib depression	رفتگی نوار
syn. retardation spectrum		syn. punch wear	
retread → precured tread		rib-lug pattern → rib-lug shape	
retreadability	روکش‌پذیری	rib-lug shape	نقش دنده‌نواری
retreaded tyre	تایر روکشی	syn. rib-lug pattern	
retreading	روکش‌کاری	rib pattern → rib shape	
syn. recapping		ribs → rib shape	
retread separation		rib shape	نقش نواری
	دوپوست‌شدگی روکش	syn. ribs, rib pattern	
RF → extra load		rib undercutting	زیربریدگی آج‌نوار
rheogram → flow curve		ride → ride comfort	
rheological equation		rideability → ride comfort	
	معادله شارش‌شناختی	ride comfort	زهواری
syn. rheological equation of		syn. ride, comfort, rideability	
state, equation of state ² ,		river wear → erosion wear	
constitutive equation		RMA	
rheological equation of state		→ relaxation map analysis	
→ rheological equation		road holding	جاده‌چسبی
rheological properties		road test	آزمون جاده
	ویژگی‌های شارش‌شناختی	roll	غلطک
rheology	شارش‌شناسی	rolling friction	اصطکاک غلتشی
rheomalaxis	شاره‌فروشنکی	rolling resistance coefficient	
syn. rheodestruction		→ coefficient of rolling	
		resistance	

puncture → tyre puncture	reclaiming
puncture protector لایه ضد پنچری	→ rubber reclamation
puncture repair پنچرگیری	reclaiming agent عامل احیا
purely viscous fluid سیال کامل گران رو	reclamation
syn. inelastic fluid	→ rubber reclamation
pure shear برش خالص	reduced viscosity
purge compound آمیزه پاک سازی	→ viscosity number
syn. flushing compound,	regenerated fibre لیف باز ساخته
cleaning compound	regroovable tyre تایر شیار خور
purged پاک سازی شده	regrooved tyre تایر شیار خورده
purge material ماده پاک سازی	regrooving شیار زنی
purging پاک سازی	syn. tyre siping
	reinforced tyre → extra load
	reinforcement repair
R تعمیر نیمه عمقی	
	reinforce separation
racetrack تایر مسابقه	→ chafer separation
radial crack ترک خوردگی شعاعی	relative viscosity گران روی نسبی
radial ply لایه شعاعی	relaxation واهلش
radial-ply tyre → radial tyre	relaxation map analysis
radial tyre تایر شعاعی، تایر رادیال	abbr. RMA تحلیل نقشه واهلش
syn. radial-ply tyre	relugging دنده گذاری
raw tyre → green tyre ¹	syn. band lugging
ream برقوزنی	remoulding
recapping → retreading	→ mould cure retreading
reclaim → reclaimed rubber	repaired tyre تایر تعمیری
reclaimed rubber لاستیک احیا شده، باز لاستیک	repair gum آمیزه تعمیر
syn. reclaim	repair plug فیتله
	repair unit → patch

plastic strain	کرنش مومسان	precure	روکش کاری سرد
ploughing	فرمان گریزی	syn. precure retreading,	
plunger test	آزمون مقاومت منجید	cold cap, precured tread	
ply	لایه	retreading	
syn. tyre ply, carcass ply		precured tread	روکش پیش پخته
ply rating	لایه معادل	syn. retread	
abbr. PR		precured tread cushion gum	
ply separation	جدایی لایه ها	آمیزه چسبان رویه پیش پخته	
plysteer	فرمان کشی	precured tread retreading	
ply turnup → turn up		→ precure	
pneumatic trail	بازوی خودتنظیمی	precure retreading → precure	
pneumatic tyre	تایر بادی	press	پرس، منگنه
pocket → band		pressing	پرس کاری
Poiseuille flow → pressure flow		pressure flow	شارش فشاری، جریان فشاری
polydisperse	بس پراکنده	syn. Poiseuille flow	
polydispersity	بس پراکندگی	principal axis	محور اصلی
polydispersity index		principal axis of inertia	
شاخص بس پراکندگی		محور اصلی لختی	
syn. polymolecularity index		principal axis of stress	
polymerization	بَسپارش	محور اصلی تنش	
polymolecularity index		principal moment of inertia	
→ polydispersity index		گشتاور لختی اصلی	
positive camber	کجی مثبت	probe	کاوند
positive caster	زاویه پیرو مثبت	processability	فرایندپذیری
postcuring	پس پزی، پخت تکمیلی	protector ply	تسمه محافظ
power law equation	معادله توانی	proving ground	میدان آزمون
syn. Ostwald-de Waele equation		syn. testing ground	
power law fluid	سیال توانی	punch wear → rib depression	
PR → ply rating			

one side wear	اکسایش
→ shoulder wear-one side	
on-the-car balancing	بازدارنده اکسایش
میزان سازی درجا	
open splice → open tread splice	oxidizer → oxidant
open tread splice	oxidizing agent → oxidant
بازشدگی سروصل رویه	ozone checking
syn. open splice	→ ozone cracking ¹
orbitread machine	ترک خوردگی اُزونی
رویه پیچ	syn. ozone checking
original equipment	ترک زایی اُزونی
→ original equipment tyre	ozonization
تایر اصل	اُزونش
abbr. OE tyre	P
syn. original equipment, OE	
Ostwald-de Waele equation	padding gum
→ power law equation	آمیزه ترمیمی
OTR → off-the-road tyre	passenger car tyre
out of round wear	تایر سواری
→ eccentric wear	patch
outside diameter	وصله
→ overall diameter	syn. repair unit
overall diameter	patch and plug
قطر خارجی	وصله پستانکی
syn. outside diameter	syn. combination repair unit
overall fast wear	patching
رفتگی زودرس	وصله زنی
overload	peeling
اضافه بار	ور آمدگی
overloading	permeability
اضافه بارگذاری	تراوایی
oversteer	permeable
بیش فرمان گیری	تراوا
oxidant	permeation
اکسنده	تراوش
syn. oxidizer, oxidizing agent	phase
	فاز
	photochemical oxidants
	اکسنده های نورشیمیایی
	pigment
	رنگدانه

mould cure retreading

روکش‌کاری گرم

syn. hot cap, mould cure,

hot retreading, remoulding

mud and snow نشانه گل و برف

abbr. M&S

multifilament چند رشته

multipiece repair وصله دو تکه

multiple flat spotting wear

کچلی پراکنده

N

nail hole repair تعمیر سوراخ منجید

nanofibre/nanofiber نانولیف

nanotube نانولوله

negative camber کجی منفی

negative caster زاویه پیرو منفی

negative thixotropy پادروان‌وردی

syn. anti-thixotropy

neutral steer هم‌فرمان‌گیری

new tyre تایر نو

noise analysis تحلیل نوفه

noise control واپایش نوفه

noise level تراز نوفه

noise reduction نوفه‌کاهی

noncontact extensometer

کشامدسنج غیرتماسی

non-linear viscoelasticity

گران‌روی کشسانی غیرخطی

non-Newtonian fluid

شاره نانویوتونی

non-Newtonian fluid flow

شارش نانویوتونی

non-Newtonian viscosity

گران‌روی نانویوتونی

nonpneumatic tyre → solid tyre

nonstaining antioxidant

پاداکسنده غیرلکه‌زا

nonsymmetrical tread design →

asymmetrical tread design

normal force نیروی عمودی

normal frequency بسامد بهنجار

NPT → solid tyre

numeric sizing system

سامانه اندازه‌گذاری عددی

O

OE → original equipment tyre

OE tyre

→ original equipment tyre

off-the-car balancing

میزان‌سازی جدا

off-the-road

→ off-the-road tyre

off-the-road tyre تایر راه‌سازی

abbr. OTR

syn. off-the-road

linear viscoelasticity	جدایی گسترده
گران‌روی کشسانی خطی	
liner → innerliner	maximum performance tyre
LL → light load	→ high-performance tyre
load-carrying capacity	mechanical wear
بارپذیری	→ shoulder wear-one side
load-deformation curve	melt flow
→ force-deformation curve	شارش مذاب، جریان مذاب
loaded radius → static loaded radius	metric sizing system
loaded section height	→ metric tyre size system
ارتفاع مقطع زیر بار	metric tyre size system
load index	سامانه اندازه‌گذاری متری
شاخص بار	syn. metric sizing system
load range	mineral fibre
رده بار	لیف معدنی
loss factor	minispare → compact spare
ضریب اتلاف	miscibility
syn. loss tangent	امتزاج‌پذیری
loss tangent → loss factor	molecular rheology
lower sidewall	شارش‌شناسی مولکولی
پایین دیواره	moment of inertia
low-pressure tyre	گشتاور لختی
تایر کم‌فشار	momentum
low profile tyre	تکانه
تایر دیواره کوتاه	momentum operator
lug	عملگر تکانه
دنده	monodisperse
lug pattern → lug shape	ناپراکنده
lug shape	monodispersity
نقش دنده‌ای	ناپراکندگی
syn. lug pattern	monofilament
	تک‌ رشته
	syn. monofilament yarn
	monofilament yarn
	→ monofilament
	monomer
	تک‌پار
	mould
	قالب
	mould cure
	→ mould cure retreading
macrorheology	
درشت‌شارش‌شناسی	
M&S/M/S/M+S	
→ mud and snow	

hot cap

→ mould cure retreading

hot retreading

→ mould cure retreading

hub cap/ hubcap قالپاق

syn. wheel cover, wheel trim

hydroplaning آب پیمایش

syn. aquaplaning

hydroplaning speed

سرعت آب پیمایش

inner tube → tube

insulation → body ply insert

isomer همپار

isomerization همپارش

isotactic polymer

بسپار تک سو آرایش

isothermal process فرایند هم دما

isotrope همسان گرد

isotropy همسان گردی

K

I

ILS → innerliner separation

imbalance نامیزانی

impermeable ناتراوا

industrial solid tyre

تایر صنعتی توپر

industrial tyre تایر صنعتی

inelastic fluid

→ purely viscous fluid

infinite shear viscosity

گران روی برش بی نهایت

innerliner آستری

syn. liner

innerliner repair material

وصله آستری

innerliner separation

abbr. ILS جدایی آستری

kerbing rib نوار محافظ

syn. kerbstone rib

kerbstone rib → kerbing rib

kinetic friction اصطکاک جنبشی

kinetics جنبش شناسی

L

lateral grip چنگ زنی جانبی

leaf fibre لیف برگ

leakage flow شارش نشستی،

جریان نشستی

light load تایر کم بار

abbr. LL

syn. light load tyre

light load tyre → light load

lightweight spare زاپاس باریک

full retreading		grooving	شیاراندازی
	روکش‌کاری شانه‌تاشانه	grown tyre	تایر جابازکرده
	<i>syn.</i> full treading, full cap	gum stock → cushion gum	
full-size temporary spare			
	→ temporary spare		H
full treading → full retreading		handling	هدایت‌پذیری
functional group	گروه عامل	hardener	سخت‌کننده
	<i>syn.</i> functionality	hardening	سخت‌کاری
functionality		head effect → Bagley entrance	
	→ functional group	correction	
	G	heat cure repair	وصله گرم
glassfibre	لیف شیشه	heel and toe wear ¹	پلگی
	<i>syn.</i> fiberglass	<i>syn.</i> heel-toe wear ¹	
glass wool	پشم شیشه	heel and toe wear ²	پله کردن
green tyre ¹	تایر خام	<i>syn.</i> heel-toe wear ²	
	<i>syn.</i> raw tyre	heel-toe wear ¹	
green tyre ²	تایر سبز	→ heel and toe wear ¹	
grip	چنگ‌زنی	heel-toe wear ²	
	<i>syn.</i> traction ¹	→ heel and toe wear ²	
grit	زیره	heteropolymer	ناهمگون‌بَسپار
groove	شیار	high-performance tyre	تایر کارا
	<i>syn.</i> tread groove	<i>syn.</i> maximum performance	
groove cracking	ترک‌خوردگی شیار	tyre, ultra-high-	
	<i>syn.</i> groove cracks,	performance tyre	
	fabric fraying	high shear rate rheometer	
groove cracks			شارش‌سنج پُربرش
	→ groove cracking	homopolymer	همگون‌بَسپار
		homopolymerization	
			همگون‌بَسپارش

filament	رشته	flow tendency → ease of flow	
filamentation	رشته‌پارگی	flow test	آزمون شارش
filament drawing	کشش رشته	fluctuation	اُفت‌وخیز
filament yarn	نخ رشته‌ای	fluid ¹	شاره ^۱
filler strip → flipper		fluid ²	سیال، شاره ^۲
filling → weft		fluidity ¹	سیالیت، شارگی
fin → flash		flushing compound	
flash	پلیسه	→ purge compound	
syn. fin		folding spare	زاپاس جمع‌شو
flash point/ flashpoint		syn. folding temporary spare,	
abbr. FP	نقطه اشتعال	collapsible spare tyre	
flash rusting	زنگ‌زدگی فوری	folding temporary spare	
flat spot → brake skid wear		→ folding spare	
flat spotting	تخت‌شدگی	footprint	جاپا
flat spot wear		syn. contact patch	
→ brake skid wear		footprint area	سطح جاپا
flat tyre	تایر خوابیده	force-deformation curve	
flipper	باله، باله طوقه	منحنی نیرو- تغییر شکل	
syn. filler strip		syn. load-deformation curve	
floatation tyre	تایر شنی	force-elongation curve	
flow	شارش	منحنی نیرو- کشامد	
flow behaviour index		forming	شکل‌دهی
شاخص رفتار شارش		fouling	چرم‌گرفتگی
flow birefringence		FP → flash point	
دوشکستی شارشی، دوشکستی جریانی		fracture test	آزمون شکست
syn. streaming Birefringence		fracture toughness	چقرمگی شکست
flow curve	منحنی شارش	free radius	شعاع بی‌بار
syn. rheogram		full cap → full retreading	
flow equation	معادله شارش		

dual bead tyre	تایر دوطوقه	entrance effect correction →	
dual spacing	فاصله جفت‌چرخ	Bagley entrance correction	
dust	گرد	envelope	روپوش
dynamic balance	میزانی پویا	enveloping	پوش‌دهی
dynamic hydroplaning	آب‌پیمایش پویا	equation of state ²	
dynamic loaded radius	شعاع زیر بار پویا	→ rheological equation	
syn. dynamic rolling radius		erosion wear	لبرفتگی
dynamic rolling radius		syn. river wear, channel wear	
→ dynamic loaded radius		erratic depression wear	
dynamic viscosity	گران‌روی پویا، گران‌روی دینامیکی		رفتگی گله‌به‌گله
dynamic vulcanisation	ولکانش پویا	excessive wear	رفتگی شدید
		extensometer/ extensiometer	کشامدسنج
		extra load	تایر پُر بار
		abbr. XL	
		syn. extra load tyre,	
		reinforced tyre, RF	
		extra load tyre → extra load	
		F	
ease of flow	خوش‌جریانی	fabric fraying	
syn. flow tendency		→ groove cracking	
eccentric wear	قوزرفتگی	fatigue wear	رفتگی خستگی
syn. out of round wear		feather wear	لب‌تیزی
economy tyre	تایر اقتصادی	fiberglass → glassfibre	
syn. budget tyre		fibre/fiber	لیف
elastic resilience	واجهندگی کشسان	fibril	لیفچه
elongation	کشامد، ازدیاد طول	fibrillation	لیفچه‌ای شدن
end correction → Bagley			
entrance correction			
end-effect correction → Bagley			
entrance correction			

cupping wear	رفتگی کاسه‌ای	depression	تورفتگی
syn. scallop wear		developed footprint length	
cure cycle	چرخه پخت	developed footprint width	بیشینه طول جاپا
cure time	زمان پخت		بیشینه پهنای جاپا
syn. curing time		devulcanisation	واولکانش
curing ¹	پخت ¹	diagonal cracking	ترک‌خوردگی اریب
curing ²	پخت ²	diagonal wear	رفتگی اریب
curing agent	عامل پخت ¹	die	ریزه
curing gum → cushion gum		dilatant fluid	
curing time → cure time		→ shear thickening fluid	
curve hand	سمت قوس	dilatancy → shear thickening	
cushion gum	آمیزه چسبان	dilatant ¹	حجم‌افزای برشی
syn. curing gum, bonding gum,		dilatant ² → shear thickening	
gum stock		fluid	
cutter	دستگاه برش، تیغه	dilatation	حجم‌افزایی
CV → commercial vehicle		syn. dilation, bulk strain,	
cylinder	سیلندر	dilatational strain	
syn. cylinder bore		dilatational strain → dilatation	
cylinder bore → cylinder		dilation → dilatation	
		directional tread design	
	D		نقش یک‌سویه
damping	میرایی	dispersing → dispersion ¹	
decorative rib	نوار تزئینی	dispersion ¹	پراکنش
deflection	لمیدگی	syn. dispersing	
deformation curve	منحنی تغییرشکل	dispersion ²	پراکنه
degradation	تخریب	dissipation	اتلاف
delugger	آج‌بردار	dry traction	کشانش خشک

collapsible spare tyre		constitutive equation	
→ folding spare		→ rheological equation	
combination repair unit		contact extensometer	
→ patch and plug			کشامدسنج تماسی
comfort → ride comfort		contact patch → footprint	
commercial tyre	تایر کار	conventional full-sized spare	
commercial vehicle	خودرو تجاری	→ spare tyre	
abbr. CV		copolymer	هم‌بَسپار
comonomer	هم‌تکپار	syn. bipolymer	
compact spare	زاپاسک	copolymerization	هم‌بَسپارش
syn. compact temporary spare,		core	ماه‌یچه
tempa spare, minispare		core fibre	لیف توساقه
compact temporary spare		cord	رَسَن
→ compact spare		cordage → line	
complex viscosity	گران‌روی مختلط	cornering	گردش
compliance	تن‌دهی	cornering force	نیروی گردش
compliance constant	ثابت تن‌دهی	syn. side force	
component	جزء	cornering speed	سرعت گردش
composite	چندسازه	cornering stiffness	سفتی گردشی
syn. composite material		cornering wear	رفتگی گردشی
composite material		corrosion	خوردگی
→ composite		Couette correction → Bagley	
compound ¹	آمیزه	entrance correction	
compound ²	ترکیب	co-vulcanisation	هم‌ولکانش
syn. chemical compound		crazing	ترکچه‌زایی
compounder	آمیزه‌ساز	cross link	اتصال عرضی
compounding	آمیزه‌سازی	crystal	بلور
conicity	مخروط‌سانی	crystalline	بلورین
conjugated	مزدوج	crystallinity	بلورینگی

camelback رویه خام

capillary rheometer
شارش سنج موی لوله‌ای

syn. capillary viscometer

capillary viscometer
→ capillary rheometer

carcass منجید
syn. casing

carcass ply → ply

casing → carcass

casing factor ضریب منجید

caster → caster angle

caster angle زاویه پیرو
syn. caster

centre tread wear رفتگی مرکزی

centrifugal force نیروی مرکزگریزی

centrifugal moment
گشتاور مرکزگریزی

centripetal force نیروی مرکزگرا

chafer طوقه پوش

chafer separation جدایی طوقه پوش
syn. reinforce separation

chain → warp

chamfer wear → shoulder step

channel wear → erosion wear

check cracks → checking¹

checking¹ ترکسار
syn. check cracks

checking² ترکسارش

chemical compound
→ compound²

chemical cure repair وصله سرد

syn. cold cure repair

chopped fiberglass لیف شیشه کوتاه

syn. short fiberglass,

chopped glass,

chopped strand glass fibre

chopped fibre composite
→ short fibre composite

chromatogram ستوانگاشت

chromatograph ستوانگار

chromatography ستوانکاری

chrome plating کروم آبکاری

cleaning compound
→ purge compound

coating¹ پوشاندن، پوشش دهی

coating² پوشش

co-curing هم‌پخت

coefficient of rolling friction
→ coefficient of rolling
resistance

coefficient of rolling resistance
ضریب مقاومت غلتشی

syn. rolling resistance

coefficient,

coefficient of rolling friction

cold cap → precure

cold cure repair

→ chemical cure repair

cold flow شارش سرد

belt edge separation		boiler	دیگ بخار
→ belt separation		bonding gum → cushion gum	
belt edge wedge	گره تسمه	brake skid wear	کچلی ترمزی
<i>syn.</i> belt edge insert,		<i>syn.</i> flat spot wear, flat spot	
shoulder belt wedge		breaker	مهار لایه
belt lift → belt separation		budget tyre → economy tyre	
belt separation	جدایی تسمه	buffer	ماشین ساب‌زنی
<i>abbr.</i> BES		<i>syn.</i> buffing machine	
<i>syn.</i> belt edge separation,		buffing	ساب‌زنی
belt lift		buffing machine → buffer	
BES → belt separation		buffing template	الگوی ساب‌زنی
beveled splice	سروصل اریب	buffing wheel	چرخ ساب‌زنی
bias-belted tyre	تایر لایه‌اریب تسمه‌ای	buff line	خط ساب
<i>syn.</i> belted-bias tyre		bulge	برآمدگی
bias tyre	تایر لایه‌اریب	bulk strain → dilatation	
biopolymer	زیست‌بسیار	buttress	زیرشانه
bipolymer → copolymer		butt splice	سروصل صاف
blast cleaning			
<i>syn.</i> abrasive blast cleaning			
	تمیزکاری پاششی		
blem → blemish tyre			
blemish tyre	تایر درجه‌دو	cable	تابینه
<i>abbr.</i> blem		cabled yarn	نخ تابینه‌ای
<i>syn.</i> second grade tyre		calibrate	واسنجیدن
block pattern → block shape		calibrated	واسنجیده
block shape	نقش قطعه‌ای	calibration	واسنجی
<i>syn.</i> block pattern		camber	کجی
blowout	ترکیدن	camber angle	زاویه کجی
body ply insert	میان‌لا	camber thrust	رانش کجی، نیروی رانش کجی
<i>syn.</i> squeegee, insulation			

C

Bagley end-effect correction →	bead core	مغزه طوقه
Bagley entrance correction	syn. bead bundle	
Bagley entrance correction	bead deformation	قُرى طوقه
تصحیح بگلی	bead expander	طوقه بازکن
syn. Bagley correction,	bead face	قاعده طوقه
Bagley end correction,	syn. bead ledge, bead sole	
Bagley end-effect	bead filler	پُرکن طوقه
correction, end correction,	syn. apex strip, apex	
end-effect correction,	bead heel	پاشنه طوقه
entrance effect correction,	bead ledge → bead face	
head effect,	bead lube → bead butter	
Couette correction	bead ripped → bead separation	
balance → tyre balance	bead sealing area	
balance patch	وصله میزان	سطح آب‌بندی طوقه
balance weight	سرب	نشیمن طوقه
balancing	میزان‌سازی	جدایی طوقه‌ای
syn. wheel balancing	syn. bead ripped	
band	لایگان	bead sole → bead face
syn. pocket	bead-to-bead retreading	
band lugging → relugging	روکش‌کاری طوقه تا طوقه	
barrier polymer	بسیار سدی	bead toe
syn. barrier resin		پنجه طوقه
barrier properties	خواص سدی	bead unseating
barrier resin → barrier polymer		دررفتگی طوقه
bast fibre	لیف روساقه	bead wire
		سیم طوقه
bead	طوقه	bead wrapper
		لفاف طوقه
bead bundle → bead core	belt	تسمه
bead butter	روغن طوقه	belted-bias tyre
syn. bead lube		→ bias-belted tyre
		belt edge insert
		→ belt edge wedge

A

abrasion resistance مقاومت سایشی

abrasive blast cleaning

→ blast cleaning

abrasive cleaning تمیزکاری سایشی

abrasive wear رفتگی سایشی

Ackerman angle

→ toe-out-turns

agglomeration کلوخگی

aggregate انبوهه

agricultural tyre تایر کشاورزی

aligning torque

→ self-aligning moment

all-season tyre/ all season tyre

تایر چهارفصل

alphanumeric sizing system/

alpha-numeric sizing system

سامانه اندازه‌گذاری حرفی-عددی

anomalous viscosity

گران‌روی بی‌هنجار

antioxidant

پاداکسنده

anti-ozonant

پادآزوننده

antistaining properties

خواص ضدلک

anti-thixotropy

→ negative thixotropy

apex → bead filler

apex strip → bead filler

apparent viscosity گران‌روی ظاهری

aquaplaning → hydroplaning

asymmetrical tread design

نقش نامتقارن

syn. nonsymmetrical tread

design

B

Bagley correction → Bagley

entrance correction

Bagley end correction → Bagley

entrance correction

فهرست واژه‌ها به ترتیب الفبای لاتینی

A Collection of Polymer Engineering Tyre Terms



**extracted from
Dictionary of Approved
Terms by the Academy of
Persian Language and Literature**

2012-2011

Terminology Department